

تحقیقی در نامگذاری منطقه «نور» و «بلده»

و راز تغییر نام «رستم‌داری» به «نور» و نام «در بندک» به «بلده» با ورود امام حسن عسکری (ع) به طبرستان، و مبعوث ساختن وکلای و نواب به کل منطقه، و محدث نامی «مرحوم شیخ احمد (ره)» که بعدها به «شیخ احمد نوری» معروف گردید، به منطقه «رستم‌داری»...

چاپ دوم



به املاء و تقریر:
حضرت آیت الله علامه نوری

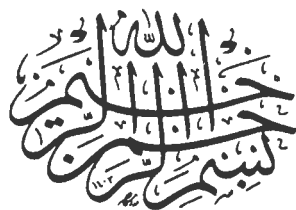


حضرت آیت الله علامه نوری - از چهره های مشهور دنیای اسلام و از مراجع تقلید و از پیشگامان انقلاب اسلامی ایران و یادآور مبارزات و حماسه ۱۷ شهریور است... که در جنب کارهای علمی خود در حوزه های علمی (و دانشگاه در زمانهای گذشته) - به احداث مؤسسات علمی و فرهنگی و اجتماعی و بیمارستان، درمانگاههای مذهبی و مدارس علمیه و مساجد متعدد نیز پرداخته است که یکایک این خدمات در طول عمر معظم له به وقوع پیوسته و بحمدالله در حال استفاده جامعه است و نیز در ایام گذشته همواره در کنگره های اسلامی مانند کنگره بیت المقدس و هند و پاکستان و ژاپن و دیگر کشورها شرکت می نمودند... از جمله خدمات ایشان آنکه بیش از ۱۳ هزار نفر از کشورهای مختلف و از مذاهب گوناگون با هدایت و ارشاد معظم له مسلمان گردیده اند: (رجوع شود به کتاب شناخت تحلیلی اسلام و برخی مسلکها و ادیان که در سه زبان عربی، فارسی، انگلیسی چاپ شده است) شرح آثار علمی فراوان و رساله ها و تالیفات حضرت آیت الله العظمی علامه نوری را در آخر همین کتاب ملاحظه می فرمایید.

قیمت ۵۰۰ تومان



مؤسسه (انتشارات نوید نور)



تحقیقی در ماکذاری

منطقه «نور» و «بلده»

اسکن شد

به الملاء و تقریر:

حضرت آیت الله علامه نوری

آیت الله نوری، یحیی، ۱۳۱۱ -

تحقیقی در نامگذاری منطقه نور و بلده / به املاء و تقریر نوری. - تهران: نوید نور، ۱۳۸۳.
۷۳ ص. مصور، نمونه.

شابک ۵ - ۰ - ۹۲۵۱۴ - ۹۶۴

ISBN 964 - 92514 - 0 - 5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

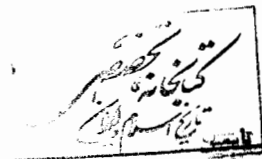
۱. نور (شهر). ۲. بلده. ۳. کجور. ۴. نامهای جغرافیایی - ریشه شناسی. الف. عنوان.

۹۹۵/۲۲۶

DSR۲۱۲۳ / ۵۹

کتابخانه ملی ایران

۹۴۶۹ - ۸۳ م



تحقیقی در نامگذاری منطقه نور و بلده

از: آیت الله العظمی علامه نوری

ویراستار: میترا دیوسالار

حروفچینی و صفحه آرانی: محمدرضا رجبی

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

انتشارات: نوید نور

تاریخ نشر: تیرماه ۱۳۸۳

آدرس و تلفن مرکز نشر: کتابفروشیهای مرکز و شهرستانها و هیئات دینی «نور»

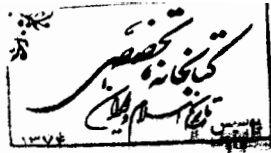
تهران - میدان شهداء - خیابان مجاهدین اسلام - حوزه علمی و اسلامی مدرسه الشهداء

دفتر آیت الله العظمی علامه نوری

تلفن: ۳۱۲۹۳۴۳ - ۳۱۲۴۱۰۴ فاکس: ۳۱۲۹۸۹۴

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱. مقدمه	۱-۳
۲. منطقه «رستمداری» و تغییر آن به «نور»	۴-۶
۳. حاکمان منطقه رستمدار اصلی یا بنی کاوس	۷-۸
۴. این منطقه از رستمدار از چه موقع نور نامیده شد؟	۹-۱۰
۵. امام حسن عسکری علیه السلام و ورود ایشان در منطقه طبرستان	۱۱-۱۲
۶. محدث بزرگوار شیخ احمد «نوری» رضوان الله علیه	۱۳-۱۸
۷. بزرگان منطقه بلده و نور	۱۹-۲۳
۸. شرح مآخذ و منابع مربوط به بلده و نور و...	۲۴-۲۷



۹. برخی از علمای بزرگ و مجتهدان و فضایی منطقه «نور» ۲۸-۳۲

۱۰. برخی از خانواده‌های محترم بلده و نور ۳۳-۳۵

۱۱. بعضی از دیگر خاندان «نور» ۳۶-۳۸

۱۲. («کجه» یا «کجور» یا «کجور»)

و شرحی تاریخی از این منطقه در «رستم‌دار» ۳۹-۴۱

۱۳. علماء و شخصیت‌های بزرگ منطقه کجور ۴۲-۴۳

۱۴. منطقه «رویان» ۴۴-۴۵

۱۵. بعضی از علماء و بزرگان رویان ۴۶-۴۷

۱۶. قسمت تصاویر اسناد و قباله‌هایی که در این کتاب

به آنها اشاره شد و وعده داده‌ایم که فتوکپی آنها نقل شود ۴۸

— سند مربوط به «حضرت شیخ احمد نوری»

و مدفن ایشان در «در بندک» (بلده) ۵۰

— مهر «کیومرث بن بیستون» (پدر بنی کاوس و بنی اسکندر)

که در آن نام «شیخ احمد نوری — علیه التحیه» آمده است ۵۱-۵۲

– مُهر «بیستون بن جهانگیر» (و تشیع وی)

در کنار نام «شیخ احمد نوری – علیه الرحمه» ۵۳-۵۴

– مُهر «بهمن بن بیستون» در کنار اسم «شیخ احمد

نوری – علیه التحیه» در مورد تولیت مزار و موقوفات ۵۵-۵۶

– مُهر «شاه اسماعیل نانی» از سلاطین صفویه

در کنار نام «شیخ احمد نوری – علیه الرحمه» ۵۷

– مُهر «شاه بیلیمان» از سلاطین صفویه در مورد

تولیت مزار «شیخ احمد نوری – علیه الرحمه» ۵۸

– مُهر «شاه سلطان حسین» از سلاطین صفویه

در کنار نام «شیخ احمد نوری – علیه التحیه» ۵۹-۶۰

– مُهر «آغا محمدخان قاجار» در کنار نام

«شیخ احمد نوری – علیه الرحمه» و در پاسخ به

درخواست «مرحوم آیت اله شیخ عبداللطیف نوری» ۶۱

۱۷. نکات قابل توجه در مورد وقف نامه «مرحوم آیت اله حاج

ملانصیر نوری – علیه الرحمه» و بیان مرکزیت «بلده» در «نور» ۶۲-۶۳

۱۸. توضیحاتی در مورد بقعه و مزار محدّث

- بزرگوار «حضرت شیخ احمد نوری - قدس سره» ۶۴
۱۹. تصویر بقعه و مزار «حضرت شیخ - قدس سره» ۶۵
۲۰. سردر بیمارستان ولی عصر (عج) در «بلده» ۶۶
۲۱. نمایی از افتتاح بیمارستان ۶۷
- نقشه شهرستان «نور»

۲۲. فهرست کتبی که در این رساله نام آنها آورده

و یا مورد استناد قرار گرفته است

- (به ترتیب حروف تهجی «الفبا») ۶۸-۷۳
۲۳. نام بخشی از کتابها و رساله‌ها و
- تألیفات آیت الله العظمی علامه نوری ۷۴-۷۸
۲۴. یک تذکر مهم ۸۰



مقدمه

هرچند از دیرزمان دربارهٔ وجه تسمیه نور و نیز «بلدهٔ نور» در کتابهای مختلف اینجانب مانند کتاب: خاتمیت پیامبر اسلام - و ابطال تحلیلی «بایگري» «بهائیگری» «قادیانگیری»، و نیز کتاب «حکومت اسلامی و تحلیلی از نهضت حاضر» که هر دو به زبان فارسی و انگلیسی منتشر گردید و نیز در کتاب «ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از ۱۷ شهریور» (در احوال امام حسن عسکری «ع») به مناسباتی از «نور» و «بلده» نام بردم، اما واقعهٔ اخیر وقوع زلزله در خردادماه ۱۳۸۳ و مراجعات تلفنی و حضوری و کتبی شخصیتها و مقامات و افراد مختلف از تهران و شهرستانها و کشورهای اسلامی و حتی بلاد غربی و اروپائی به

این دفتر که از اوضاع نور و بلده و تأسیساتی که در بلده و اطراف نور ساخته ایم، مانند: مساجد و بیمارستان ولی عصر (عج) و غیره، سؤال می نمودند که: آیا منطقه تلفاتی داشته است؟ و آیا در بیمارستان ولی عصر (عج) و مساجد و مراکز فرهنگی تأسیس شده آنجناب در «نور» و «بلده» حوادث و ضایعاتی رخ داده؟ و برخی نیز شدیداً اظهار تمایل می کردند که در رابطه با «نور» و «بلده» با اطلاعات و معلوماتی که روشن کننده بسیاری از حقایق می باشد و شخص شما می توانید آن را مشروحاً در جامعه و تاریخ برجا بگذارید، از اینجناب می طلبیدند رساله ای در این باب بنگارم که علاوه بر «وجه تسمیه» نور و بلده به بعضی از جوانب دیگر و احوال علمای منطقه و خاندانها و شخصیت های مؤثر دینی و اجتماعی و اشخاصی که دارای مناسب و مقاماتی در گذشته بودند و یا در حال حاضر در خدمت اجتماع هستند، اجمالاً نامی برده شود و نیز «ماخذ و منابع فراوان علمی» و «اسناد تاریخی» را برای تعقیب تحقیقات علمی درباره «نور» و «بلده» جهت آیندگان معرفی نمایم تا انشاء الله بازماندگانم و دیگران نیز با حوصله و دقت بیشتر و داشتن فرصت کاملتر و مزاج سالمتر به این امر پردازند. عذرخواهم که فرصت و شرایط احوال و کثرت کار علمی و مراجعات اجتماعی به اینجناب اجازه بیشتر نداد که این رساله را تکمیل تر از این نمایم. خداوند همه ما را در خدمات علمی و اجتماعی به جامعه موفق بدارد. برای همه پاکان و نیکان و انبیاء و مرسلین و ذوات معصومین از ائمه طاهرین و وکلا و نوآب صالح آنها و

مرحوم فقیه و محدث بزرگوار شیخ احمد نوری که برکات ایشان موجب تغییر نام «رستم‌دار» به «نور» و موجب تغییر نام «دربندک» به «بلده» گردید و منطقه نور این همه صاحب آثار و برکات گردید، درود فراوان و سلام و تحیت افزون از شمار، به درگاه پروردگار دارم و نیز از «هیئت تحریریه» این دفتر که املاء و بیان تقریرات و گفته‌های اینجانب را نوشته‌اند و به چاپ رسانیده‌اند، کمال تشکر و از همه تجلیل و تکریم دارم.

العبد یحیی نوری

تهران - حوزه علمی و اسلامی مدرسه الشهداء

تیر ماه ۱۳۸۳

منطقه «رستم‌داری» و تغییر آن به «نور»

- از سلسله ساسانیان و از تبار انوشیروان جمعی فراوان در مناطقی گوناگون از مازندران و در بخشهای مختلف آن حکومت و سلطنت می نمودند، مثل :
- ۱ - خاندان و تبار باوند : (اسپهبدان و شاهان منطقه کوهستانها «ملوک الجبال» و حاکمان ایلات در مناطقی از آمل و اطراف آن) که جمع اینها در منطقه های وسیعی از مازندران حاکم بوده و سیطره داشتند.
 - ۲ - تبار و خاندان افراسیاب : که جمعی از این خاندان قبل از اسلام و بعد از اسلام در مناطقی از مازندران حکومت می نمودند ^(۱) و شرح مفصل آن در

۱- رجوع شود به کتاب «معجم الأنساب و الأسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی» از زامباور

تواریخ، مذکور و اسامی یکایک این سلسله به ترتیب حکومت آنها ثبت است.

۳ - **خاندان جستان یا بنوجستان:** که بر مناطق وسیعی از بلاد دیلم حکومت می نمودند. شرح یکایک حکام دیلم و دیلمیان مفصلاً در تواریخ مذکور است.

در اواسط قرن سوم هجری، سلسله علویان (از نسل امیرالمؤمنین علی (ع) «آل علی») در مازندران به حکومت رسیدند که در بخشهای وسیعی از شهرهای مازندران و گرگان حکومت خود را بسط داده و به دو خاندان بنوحسن و بنوحسین منقسم گردیده و سلسله‌هایی از این دودمان تا به سادات حسینی ادامه حاکمیت و نشر اسلام دادند... که مبسوطاً این سلسله و انشعابات آن در تواریخ مازندران و طبرستان مذکور است.

نخست از بنوحسن، حسن بن زید بن محمد و سپس محمدالداعی فرزند زید حکومت نموده، آنگاه بنوحسین به حکومت رسیدند که نخستین آنها:

ابومحمد حسن الاطروش بوده و پس از وی حسن بن قاسم و سپس ابوالفضل جعفر الثائرفی الله و بعد از او ابو عبدالله محمد المهدی و حاکمان دیگر از این خاندان حکومت داشتند و بعداً چهارده تن از سادات حسینی به حکومت رسیدند....

مستشرق آلمانی، و - «طبقات سلاطین اسلام» از: استانلی لین پول، و - «تاریخ طبرستان» از: بهاء الدین اسفندیار کاتب، و - «تاریخ رویان» از: نشریات کتابخانه اقبال، و - «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» از: ظهیرالدین مرعشی، که در مباحث بعدی از مآخذ و منابع فراوان، خواهد آمد.

(رجوع شود به ص ۱۷ - ۱۴)

۴ - سلسله بادوسپانان یا آل بادوسپان: چنانکه توضیح داده شد، این سلسله نیز از ساسانیان و تبار انوشیروان بودند که در بخش وسیع رستم‌دار با قلعه های گوناگون حکومت می نمودند و بعدها همین منطقه «رستم‌دار» به بخشهای «رویان» و «نور» و «کجور» (باتغیراتی جدید در بعضی نامهای آن) تقسیم شد. هریک از این بخشها دارای حکومت مستقل و در عین حال مرتبط به هم بودند و برای حفاظت قوای مرکزی و خزانه های خود در نقاط مرتفع کوهستانها قلعه هایی در جمع محافظان و دولتیان و مراکز اداری و تجهیزات نظامی خود تأسیس نموده تا از گزند متجاوزان و حاکمان خودی و بیگانه در امان باشند.



حاکمان منطقه رستم‌دار اصلی یا بنی کاوس

گفتیم که «رستم‌دار» نام منطقه وسیعی بود که رویان و کجور را نیز شامل میشد اما منطقه اصلی «رستم‌دار» که مدت‌ها حتی پس از آنکه قسمتی از این منطقه به نور موسوم گردید، به همان رستم‌دار خوانده می‌شد. چنانکه بعضی از شخصیت‌های بزرگ این منطقه (از اجداد ما) بنام شیخ شریف رستم‌داری نوری در قباله‌ها و اسناد نام برده شده‌اند.^(۱)

در این منطقه از رستم‌دار، ملوک بنی کاوس که از تبار ساسانیان مذکور بودند،

۱- این سند و قباله تاریخی در اولین شماره از قسمت اسناد ذکر خواهد شد. (رجوع شود به تصاویر مربوط به یکایک اسناد.)

حکومت می کردند. لازم است نام حکام بنی کاوس را به ترتیب ذکر نمائیم:

- ۱ - کیکاوس بن کیومرث
- ۲ - جهانگیر بن کیکاوس بن کیومرث
- ۳ - کیومرث بن جهانگیر
- ۴ - بهمن اول فرزند جهانگیر
- ۵ - بیستون بن جهانگیر
- ۶ - بهمن دوم فرزند بیستون
- ۷ - کیومرث فرزند بهمن دوم و ...

مهر حکومتی و نامهای هریک از این ملوک نامبرده را که در کنار نام «شیخ احمدنوری .. علیه الرحمه» می باشد، در دست داریم، که در صفحات بعد تصاویر و فتوکی اسناد و قباله ها را ملاحظه خواهید کرد. (در قسمت اسناد به ترتیب ذکر می شود) و همچنین اضافه می نمائیم که علاوه بر تواریخ طبرستان و مازندران نام سلسله بنی کاوس و بنی اسکندر و ... در کتابهای شرق شناسانی همچون زامباور آلمانی «E.Von Zombaur» که کتاب وی به عربی نیز به نام «معجم الأنساب و الأسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی» چاپ گردید و نیز استانلی لین پول ایرلندی که کتاب او تحت عنوان «طبقات سلاطین اسلام» به فارسی ترجمه گردید، هر دو کتاب در کتابخانه ما موجود است، به تفصیل ذکر شده است.

این منطقه از رستم‌دار

از چه موقع «نور» نامیده شد؟

به خوبی دانسته می‌شود که نامیدن ناگهانی بخشی از «رستم‌دار» به «نور» باید به یک حادثه و علت مهمی مربوط باشد، حادثه‌ای معنوی و روحانی و انقلابی که کل منطقه و مردم آن را به نحو طبیعی و اعتقادی فراگیر شود و آن حادثه نمی‌تواند مانند این گونه مسائل باشد که چون رودخانه^(۱) یا آبی از فلان

۱- مرحوم میرزا اسداله خان اسفندیاری نوری در یک سخنرانی خود که تحت عنوان «متن سخنرانی اسداله اسفندیاری» در سه چهار ورق چاپ شده (ونسخه‌ای از آن را در حدود چهل سال قبل به اینجانب هدیه نمودند)، وجه تسمیه نور را به این علت خواندند که چون رودخانه جاری در

دره سرازیر می شد و با تابش آفتاب نورانی می گردید، منطقه را بدین مناسبت «نور» خواندند! که این رودخانه و یا چشمه در زمان حکام «رستم دار» نیز جاری بود!! بلکه از این گونه مسائل و عوامل آنچنانکه گفتیم باید بالاتر و عمیق تر باشد....

بلی - چنین است و به حوادث تاریخی و معنوی قابل قبول و مهم مربوط است که ذیلاً شرح داده می شود.

بلده و دهات اطراف از روشنی خاصی برخوردار است و یا از بعضی دره ها با جاری شدن آب و تابش آفتاب بر آن، نور و روشنایی مشهود بوده است، این منطقه را «نور» خواندند!! البته مرحوم ایشان به اسناد و مدارکی که در نزد ما موجود می باشد؛ و نیز احوال محدث بزرگ، «مرحوم شیخ احمد نوری - علیه الرحمه» که علت اساسی تسمیه یا نام گذاری نور و تغییر نام بلده از دربندک بوده، اطلاعی نداشتند. همان زمان در دقایقی کوتاه، اینجانب به ایشان وجه تسمیه نور را شرح داده ام و بنیاد در سخنرانی های بعد به آن توجه کنند که عمر کوتاه بود و مجال نیافتند.

باید در این مقام از جناب آقای پیروز مجتهدزاده، ذکر خیر نمایم که نامبرده نیز جزوه و کتابی (با تیراژی محدود) درباره نور و بیلاقات و قشلاق نور و شرحی کوتاه از زندگی اجتماعی یکایک قراء و قصبات داده و نیز از بزرگان و علمای منطقه نور و شخصیت های دیگر نام برده است. نامبرده در این کتاب زحمتی فراوان کشیدند. با اینکه این جزوه و کتاب را در وقتیکه خیلی جوان بودند و شاید بیست و چند سال بیش نداشتند، نوشتند. این کتاب در سال ۱۳۵۱ هـ.ش به چاپ رسید و در آن سال، بیمارستان ولی عصر (عج) ما در بلده نور تازه شروع به کار درمانی کرد و ایشان از خدمات ناقابل اینجانب از تأسیس بیمارستان و مساجد نام برده و تقدیر نمودند. هرچند در وجه نام گذاری نور سخنی به میان نیاوردند ولی بر روی این مسئله تأکید نمودند که نام «نور» مربوط به بیلاقات نور و «بلده» می باشد.... اینکه ایشان توضیح کافی و کامل در علت نامگذاری «نور» و «بلده» ندادند، بر اثر عدم اطلاع ایشان از محدث و فقیه بزرگ مرحوم شیخ احمد نوری - ره و اسناد و تاریخ مربوط به آن بزرگوار بوده است و اگر امروز، که مراتب علمی فراوانی را طی نمودند و از استادان بنام می باشند و در خارج و داخل این مملکت صاحب نام هستند، به تجدید چاپ کتاب شهرستان نور خود می پرداختند، قطعاً به زوایای تاریک این کتاب و وجه تسمیه نور توجه می فرمودند. کتاب شهرستان نور ایشان با اینکه بیش از سی سال قبل چاپ گردید، کتابی نافع و سودمند است.

امام حسن عسکری علیه السلام

و ورود ایشان در منطقه طبرستان

در حدود اوایل قرن سوم هجری، امام حسن عسکری (ع) به دعوت علویان مازندران (بنی اعمام آن حضرت) و نیز به منظور توسعه اسلام در مناطق مجوسیان و همچنین در امر عظیم امامت و عمل به آن، به منطقه مازندران سفر نمودند که آثار و برکات این سفر بر حسب نقل تواریخ در شهرهای آمل و «بارفروش» (بابل) و «استرآباد» (گرگان) برجای مانده است. بعدها مساجدی در یکایک این شهرها و ابنیه‌ای خاص به مناسبت قدمگاه و منزلگاه آن حضرت بنام آن بزرگوار تأسیس گردید که هنوز به عنوان یکی از مراکز مهم دینی محسوب و

مورد استفاده مردم آن شهر است. امام حسن عسکری (ع) در همین سفر^(۱) خود وکلا و نوآبی به منظور توسعه اسلام و امر امامت به منطقه های گبرنشین و مجوسیان آن خطه از دشت ها و کوهستانها مأمور می ساخت که از جمله آنها فقیه و محدث بزرگوار شیخ احمد را به منطقه «رستمدر» اعزام فرمود. که شرح آن را بیان خواهیم داشت.



۱- سفر امام حسن عسکری (ع) را لازم است در تواریخ گوناگون مراجعه فرمایند، و اما خط سیر دقیق این سفر که از کجا آغاز و مرحله به مرحله به کدامین قریه و شهر رسیده اند و از آنجا شهر به شهر و قریه به قریه تا «استرآباد» ورود نمودند، باید در مصادر و مراجع فراوان تاریخی و نیز حدیثی تحقیق گردد.

زیرا این سفر به مانند سفر حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد که نه فقط به خواسته «مأمون» بلکه برای توسعه اسلام در ایران و تشیع و جهات فراوان دیگر انجام گرفت و همین مسئله درباره سفر حضرت معصومه سلام الله علیها (خواهر حضرت امام رضا (ع) و دختر کریمه موسی بن جعفر (ع) از مدینه تا قم و یا سفر احمد بن موسی بن جعفر (برادر حضرت امام رضا (ع) معروف به شاهچراغ) از مدینه به شیراز مطرح است... و همچنین سایر سفرهای «امامزاده ها» ی فراوان در شهرها و قراء و قضبات ایران... که اکثر آنها از مدینه و یا عراق بر اثر عواملی گوناگون و نیز تبلیغ اسلام و تشیع، رنج این سفرها را برخود هموار می نمودند.

محدث بزرگوار شیخ احمد «نوری» - رضوان الله علیه

این بزرگوار در «رستمدار» به تبلیغ اسلام و توسعه امرامامت می پرداخت، ولی مردم آن قراء و قصابات می گفتند: اگر شما از ناحیه شخصیت الهی یعنی امام معصوم، مأمور و مبعوث می باشید، بایست علامتی در شما باشد که روشن کننده چهره معنوی شما از سوی امام حسن عسکری (ع) باشد. این بود که وقتی دوباره برای عرض گزارش سفر تبلیغی خود به محضرامام رسیدند، نظر مردم قراء و قصابات را به عرض رسانیدند. آن حضرت دستی بر سر و روی وی کشیدند و فرمودند: «کفاک» یعنی همین تو را کافی است و بر اثر دست مبارک آن حضرت، لمعات نور از سیمای شیخ احمد می تراوید که مردم منطقه «رستمدار»

در مواقع گوناگون و به ویژه هنگام سخن گفتن ایشان، این لمعات نور را ملاحظه می نمودند و بدین مناسبت به تدریج این قسمت از «رستم‌دار» به «نور» مشهور گردید و تغییر نام داد. چنانکه در یکی از اسناد و قبالة‌هایی که (در نخستین صفحه قسمت تصاویر ملحق به همین رساله) ملاحظه می فرمائید، مشخص می دارد که گاه تکلم، اثر نور از ایشان ظاهر می شده است.

به تدریج مسلمانی و تشیع یکایک قراء و قصابات مجاور و کل منطقه «رستم‌دار» با تبلیغات دینی محدث بزرگ «مرحوم شیخ احمد - ره» ، (به جای آئین زرتشت و مجوس و آتش گرایی و گبری) توسعه یافت و حتی در منطقه طبرستان، تشیع و معتقدان به ائمه طاهرین روز به روز گسترش یافتند. و کم کم حکام و سلاطین مجوس این منطقه یکی بعد از دیگری به اسلام و تشیع گرویدند و نخست سلسله بنی کاوس که در گذشته از آنها نام بردیم و بخشی از شاهان و حاکمان این منطقه را که برشمردیم، نیز مسلمان و شیعه گردیدند و در مهر و امضای رسمی خود، «المستمسک بولایة علی المختار» (یعنی معتقد و متمسک به ولایت حضرت امیر مؤمنان علی (ع) و...) رانیز می افزودند و یکی بعد از دیگری برای تکریم مزار و مخارج زوار مرحوم شیخ احمد نوری - (قدس سره)، دست خط‌هایی با مهر مخصوص خود به صورت قبالة‌ها و اسناد مختلف تنظیم می دادند که در کنار مهر مخصوص و نام هریک از آن حکام، نام «شیخ احمد نوری - علیه‌الرحمه» نیز درج گردیده است، (اسناد و قبالة‌ها را در قسمت تصاویر

بعدی ملاحظه خواهید فرمود) و این اولین بار و اولین اسنادی است که ثابت می کند «نور» در منطقه «رستم‌دار» ظهور یافته است و به تدریج به جای کلمه «رستم‌دار»، کلمه «نور» شایع شده است.

املاکی را بنام «مرحوم شیخ احمد نوری - اعلی الله مقامه» و مسجد و مزاری که به نام آن بزرگوار ترتیب یافته بود، وقف می نمودند. در همان آیام، قریه محل فوت آن شخصیت بزرگوار که بنام «دربندک» بود، تغییر نام یافته و به نام «بلده» موسوم گردید (که در افواه برخی مردم و اسناد و نوشته جات، بلده طیبه نیز خوانده می شود).

نام «بلده» که عربی است، به معنای شهرک می باشد، (چنانکه در قرآن سوره «بلد» است: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» و مقصود از «البلد» در آیه فوق به معنای مکه است.) پس بلده نیز به مانند نور هردو عربی^(۱) هستند و حکایت از بروز و ظهور

۱- در برخی از نوشته های مقاماتی چون آقای دکتر ستوده آمده است که ظاهراً کلمه «بلده» را «بالاده» تصور کرده اند. این تصور و برداشت، غیر عالمانه و برحسب حدس و گمان است و منطبق با واقعیت نمی باشد. و واقعیت امر را فوقاً با اسناد و مدارک بیان نمودیم. ضمناً باید دانست که در سال اخیر (۱۳۸۳) «بلده» در منطقه نور به عنوان شهرستان شناخته شده، از این پس شهرستان «بلده» خوانده می شود. این توضیح نیز اضافه گردد، فرق است میان «بَلَد» و «بَلْدَة»، «بَلْدَة» به شهرک گفته می شود و «بَلْدَة» به کوچکتر از شهرک، و صحیح تر است که به جای «بَلْدَة»، «بَلْدَة» خوانده شود.

چنانکه در شعر عربی است:

«وَبَلْدَةٌ عَاشَ فِيهَا الْقَوْمُ مَسْرُورًا لِأَنَّ أَعْلَى هُمْ يَمْشِي كَأَذْنَاهُمْ»

یعنی:

«شهرکی که مردم در آن زندگی پرنشاطی دارند زیرا همه مانند هم زندگی یکنواختی را می گذرانند»
(و بالاتر آنها مانند پائین تر و تهیدست تر زندگی می کند).

شخصیت مردی بزرگوار یعنی «مرحوم شیخ احمد نوری - ره» در این منطقه دارد و این نیز در سند و قبالة اول در بخش تصاویر منعکس است و چنین ذکر می نماید که «شیخ احمد نوری - قدس سره» همان کسی است که در پای «قلعه دربندک» مدفون است....

باید متذکر شوم، با همه فحوصی که در مُعجمها و تواریخ مختلف نموده ام، مجموعاً از اسناد مختلف فقط دریافتم که لقب پدر مرحوم فقیه و محدث بزرگ «شیخ احمد نوری - ره» بنام «معلم کبیر» است اما در نام پدر ایشان، که نامش محمد یا محمود باشد، کلمه کاملاً ناخواناست. اینجانب در سه چهار سال قبل که مزار حضرت «شیخ احمد - قدس سره» را تجدید و تعمیر و با شیروانی به رنگ طلائی می نمودم (بعدها قسمت زنانه مسجد را در دو طبقه احداث نموده و بر مسجد جامع قبلی اضافه کردم)، تذکر دادم سنگ قبر نخستین این بزرگوار را ملاحظه کنند تا نام پدر این بزرگوار روشن شود اما معلوم شد، باید قبر بیشتر حفر شود تا سنگ زیرین منقوش که بر روی قبر نهاده شده نیز دیده شود که نام پدر آن بزرگوار دانسته گردد اما این کار به علت زحمت فراوانش در آن زمان انجام نگرفت... به هر صورت ایشان از خطّه مازندران می باشند و همچنین از «مرحوم شیخ احمد نوری - ره» طبق اسناد تاریخی دو فرزند ذکور باقی ماند که بخشی از قبیله مشایخ از همان تبار و اخلاف هستند و همچنین از اسناد و قبالة های متعدد بدست می آید که بازار بلده (مقابل امامزاده اسماعیل تا پایان دکاکین و بازار) به

نام بازارچه نور یا بازار نور معروف بوده است. (فتوکپی این سند نیز در اسناد ما موجود است)

اشتهار عظمت دینی مسجد و مزار فقیه و محدث بزرگ «شیخ احمد نوری - قدس سره» به حدی رسید که دسته دسته از مردم قراء مختلف به زیارت قبر آن بزرگوار می رسیدند و نقطه‌ای نیز در حرم مسجد و مزار به «مزارگاه» معروف گردید و در آن مقام، طلب رحمت و ادعیه خیر انجام می دادند و همچنین جهت خیرات و مبرات برای آن بزرگوار و زواریشان و مسجد و مزار از مزارع و مراتع گوناگون خود وقف می نمودند که مراتع: «نالر»، «کرسچال»، «انزاین»، «هلم سر»، «هلی تر»، «سرخ کمر» و نیز مزارع مختلف در بلده و دملات و مزید و یوش و غیره ... از جمله آن است و در بعضی از این وقف نامه ها آمده است که مزارع بعضی از این مراتع را بر آن «مزید» نمودیم و این سبب نامگذاری «مزید» است.

این قباله و سند در حضور جمعی کثیر از بزرگان منطقه و در حضور ملک کیومرث بن بیستون امضاء و تأیید شده است. این قباله ها که قدمت بعضی از آنها به حدود ۹۰۰ سال و بعضی باتاریخهای کمتر می رسد، کلاً نزد اینجانب در کتابخانه‌ام موجود است و علاوه بر امضای سلاطین بنی کاوس در قرنهای بعد به مهر و امضای سلسله سلاطین صفویه^(۱) و بخشی از آنها به مهر و امضای سلاطین

۱- حکومت منطقه وسیع رستم‌داری و پایان کار سلسله بنی کاوس و بنی اسکندر بوسیله حمله

و مقامات مختلف قاجار نیز رسیده است که عرض شد کلاً در این دفتر و کتابخانه ما موجود است.

لازم به اشاره است که اسامی سلسله ملوک بنی کاوس در دهات مختلف «نور» هنوز برجای مانده است، مانند دهکده زردکمر که اسم صحیح آن «زرین کمر» می باشد و «زرین کمر» نام یکی از شاهزادگان و ملوک بنی کاوس بوده است. با توجه به مجموعه مسائلی که بیان گردید، می توان دانست که شعاع منطقه نور بیشتر به نقاط ییلاقی نور مربوط است. بسیار شایسته می باشد، اشتباهی که در زمان محمدرضا پهلوی و وزارت کشور آن زمان در باب نامگذاری «سولده» به «نور» پیش آمده، اکنون بوسیله وزارت کشور جمهوری اسلامی و مردم متدین و تحصیل کرده منطقه زائل شود و اگر لازم می دانند، به جای کلمه سولده نام زیبای دیگری به جای کلمه نور بر این شهر بگذارند تا در نسلهای آینده اشتباه قطعی تاریخی و مذهبی و جامعه شناختی پیش نیاید.

«مغول» انجامید... و بعدها که سلسله صفویه روی کار آمدند، آنها نیز آن را تأیید و سنن و رسوم جدیدی معمول داشتند. از جمله آنکه بر نام شریف محدث بزرگوار مرحوم شیخ احمد نوری -ره کلمه «سلطان» (که به معنی «شاه» است) را که از سنن عرفانی صفویه بود و یا آنکه حکایت از شخصیتی بزرگ و عظیم بنماید، افزودند به مانند لقب شاهی که بر «حضرت عبدالعظیم (ع)» افزوده می شود و معمولاً «شاه عبدالعظیم» خوانده می شود و یا به مانند آنکه «حضرت علی اکبر (ع)» را «شاهزاده علی اکبر» می خوانند. به همین جهت از آن تاریخ به بعد برخی از مردم، مزار «شیخ احمد نوری -ره» را، «شیخ سلطان احمد نوری» می خواندند. غافل از اینکه ابن عنوان جزء اصلی نام آن مرحوم نبوده و نیست.

بزرگان منطقه بلده و نور

بزرگان و علما و شخصیت‌های منطقه «بلده» و «نور» چندان زیادند که نمی‌توان آنها را در چند صفحه خلاصه نمود. (قسمت جداگانه علمای منطقه «نور» را در بحث بعدی خواهیم آورد و اسامی برخی خانواده‌های منطقه نور را نیز بعد از آن ملاحظه خواهید فرمود.) اما قبلاً لازم می‌شمرم، از سلسله نسب خود آغاز کنم و سپس برخی از اعلام بلده و نور را نام ببرم.

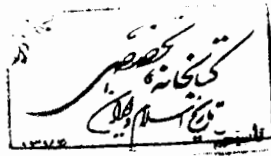
اینجانب «یحیی نوری» فرزند «مرحوم حاج شیخ اسماعیل نصیری»، فرزند «مرحوم آقا شیخ محمدنوری»^(۱) و او فرزند «مرحوم آیت اله حاج شیخ

۱- «شیخ محمد نوری» دو برادر دیگر نیز داشت ۱- «مرحوم آیت اله حاج میرزا یحیی نوری-ره»

اسماعیل نوری» و او فرزند «مرحوم آیت اله حاج ملانصیرنوری» که به مناسبت حفظ نام بزرگ «مرحوم حاج ملانصیر»، - پدرم و برخی ارحام، (در اوایل حاکمیت رضاخانی و آغاز سجل احوال)، فامیلی خود را نصیری گذاشتند و برخی از ارحام نیز به همین شناسنامه می باشند) اما این جانب (و فرزندانم مهندس سعید نوری و مهندس محمد علی نوری و دخترانم) از آغاز انقلاب اسلامی ایران، با حضور مرحوم حاج آقا خدادوست، رئیس آمار ایران در دفترم، نام فامیلی نصیری را به نوری که نام فامیلی همه اجدادم بوده، تغییر دادم.

«مرحوم آیت اله حاج ملانصیر» که او و فرزندش و پدرش از فحول علما و فقهای اسلام از حوزه نجف بودند، همان کسی است که قبرستان و مسجد جامع بزرگ بلده را در کنار مزار محدث بزرگ «شیخ احمد نوری - ره» تأسیس

که از کودکی به مانند پدران خود به نجف اشرف مهاجرت نمودند و از فحول علما و ففها گردیدند و تألیفاتی متعدد از خود بر جای گذاشتند: در علم کلام و متفرقات فقه و مجلداتی در علم اخلاق. در زمان درگیری مشروطیت و بعد از ماجرای شهادت «مرحوم آیت اله شیخ فضل الله نوری - ره» زندگی در نجف برایشان سخت شد ناگزیر به اهواز مهاجرت نمودند و در همان دیار مرجعیت دینی داشتند. فرزندان و نواده های گوناگون به عناوین «عالم زاده نوری» و «نوری زاده» و «نجفی نوری» از خود برجای گذاشتند که جمعی از آنها در آبادان و خرمشهر و مسجد سلیمان و تهران و کرج و اصفهان به کارهای مختلف و خدمات اسلامی مشغول می باشند. ۲ - «مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم خان نوری - ره» که طبق کتاب انقلاب مشروطیت از «هروی» (ص ۹۲)، والی و استاندار قزوین بوده و بعد از شهادت «شهید شیخ فضل الله نوری - ره» او نیز به رنج و زحمت و زندان افتاده است. از یادم نمی رود «مرحوم آیت اله العظمی سید ابوالحسن قزوینی» وقتی که اینجانب را می دیدند، می فرمودند: سیمای شما به مانند سیمای «مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم خان نوری - ره» عم پدر شما می باشد که بارها من و پدرم ایشان را در «دارالحکومه» قزوین می دیدیم و ...



نمودند و توسعه بخشیدند، (سند و قبالة وقف نامه مسجد و مزار در قسمت فتوکپی ها و تصاویر ملاحظه شود.) «مرحوم آیت اله حاج ملانصیر نوری» فرزند علامه بزرگ «حاج شیخ عبدالطیف نوری» است و هریک از این سه بزرگوار دارای تألیفات و آثار می باشند مانند: قواعد فقهیه، اصول عقاید و غیره... . «مرحوم آیت اله حاج شیخ عبدالطیف نوری»، فرزند «حاج شیخ جمال الدین نوری» می باشد و او فرزند «حاج شیخ محمدنوری» و او فرزند «مرحوم آیت اله حاج شیخ عنایت اله نوری» و او فرزند «مرحوم حاج شیخ شریف نوری رستمدری» است که سند مربوط به او و نام «نور» و «دربندک» در نخستین شماره فتوکپی ها و تصاویر صفحات آینده ملاحظه می گردد...

اینجانب اجداد قبل از نامبردگان را دقیقاً مستحضر نمی باشم اما از علمای فراوان قبیله چندانند که در این صفحات نمی گنجند. از جمله «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج ملا نورالله...» و «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ حسین سلطان احمدی» و فرزندش «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای شیخ جمال الدین سلطان احمدی» (که پسرانی اهل علم و فاضل و خدمتگزار به اسلام از خود به جای گذاشتند) و «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ محسن سلطان احمدی» (جد امه اینجانب) و «آیت اله حاج میرزا یحیی نوری» که عم پدر اینجانب بوده (و در پاورقی صفحات قبل توضیح داده شد.) که صاحب تألیفات فراوان مانند کتاب جددالرشاد و کتاب الوجیزه در علم کلام - و

بعضی قوائد در فقه و غیره... می باشند (و از مرتبین با مرحوم آیت اله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی صاحب کتاب عروة الوثقی و غیره... بوده)، «حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد آقای سلطان احمدی» که از خطبا و وعاظ نیز بودند و فرزندشان مرحوم ثقة الاسلام «آقای حاج شیخ محمد باقر سلطان احمدی» (که فرزندانی صالح و فاضل و خدمتگزار از خود برجای گذاشتند) بسیاری از علمای دیگر از آیات و اعلام و حجج اسلام که از بلده برخاستند.

مانند: آقایان «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ عباس خاتمی نوری» پدر جناب «حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ احمد خاتمی» و «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ محمد روحانی رئیس» و «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ عبدالباقی کثیری» و «مرحوم حجت الاسلام و... آقاسید حسن موسوی» و «مرحوم حجت الاسلام و... آقاسید موسی حسینی» و «مرحوم حجت الاسلام و... آقای عماد» و دیگر آقایان.

متأسفانه در این لحظه فرصت مناسبی برایم نیست که بتوانم شرحی جامع و کامل از علماء و شخصیت‌های مختلف بلده و بازماندگان آنها نام ببرم، زیرا در این زمان خاص چندین کتاب و مؤلفات اینجانب در دست چاپ و انتشار است و شرایط حالی و مزاجی ام نیز مساعدت کامل ندارد و همین رساله را به مناسبت زلزله اخیر و پس لرزه‌های متعدد آن که در خرداد ماه ۱۳۸۳ بوقوع پیوست و مرکز آن را

از جمله در «بلده» و «نور» دانستند و مردم شریف ایران از تهران و شهرستانها و بعضی کشورهای اسلامی و کشورهای مختلف اروپائی و از آمریکا و آسیا با دفتر اینجانب تماس می گرفتند و از ضایعات و تلفات زلزله پرسش نموده و ضمناً از بلده و نور و وجه تسمیه آن و از بیمارستان ولی عصر ما و احوال مردم منطقه سؤالاتی می کردند، گاه به آنها پاسخ می دادم، علاوه بر «تعلیقات مختلف چاپ شده در آثار گوناگونم» که در باب نور و زادگاهم بلده نوشته ام، به زودی رساله ای جامع تر نیز در این باب خواهم نوشت و منتشر خواهد شد که رفع ابهامات نموده و مسائل را روشن سازد.

از این جهت این رساله فرصت مناسبی ندارد که به مجموعه مسائل نور بپردازد، فقط در اینجا مناسب می بینم علما و محققان و نویسندگان و خوانندگان عزیز را به مآخذ و مصادر و کتب فراوان مربوط به منطقه نور (وکجور و رویان منهای کل طبرستان) که مصادر آن بسیار زیاد است، توجه دهم و اینک شرح مآخذ و منابعی که در آن به احوال، علمای منطقه نور نیز آگاه می شوید.



شرح مأخذ و منابع مربوط به بلده و نور و ...

- كشف الظنون از چلیپی
- وفيات الاعيان از ابن خلكان
- مجلّدات الذريعه از مرحوم آيت اله حاج آقابزرگ تهرانی
- روضات الجنات، في احوال العلماء و السادات از مرحوم خوانساری
- مجلّدات ريحانة الادب از مرحوم مدرس تبریزی
- نامه دانشوران از جمعی از فضلا
- الفهرست از ابن النديم
- قاموس الاعلام (در شش جلد) از شمس الدين سامی

- آثار عجم از میرزا محمد سفیر حسینی
- اتقان المقال فی احوال الرجال از شیخ محمد طه
- احسن الودیعه فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه از سید محمد مهدی خوانساری
- اخبار العلماء باخبار الحکماء از ابن القفطی
- تاریخ بغداد از خطیب بغدادی
- تنقیح المقال فی علم الرجال از حاج شیخ عبدالله مامقانی
- سلك الدرر فی اعیان القرن الثانی عشر از سید محمد خلیل مرادی
- قصص العلماء از میرزا محمد تنکابنی
- الکنی و الاسماء من رجال الحدیث از ابوبشر دولابی
- الکنی و الالقاب از مرحوم محدث بزگوار حاج شیخ عباس قمی
- لغات تاریخیه و جغرافیه از احمد رفعت
- مآثر و آثار از محمد حسن خان اعتماد السلطنه
- مجالس المزمنین از قاضی نورالله شوشتری
- مجمع الفصحا از رضا قلی خان هدایت
- مستدرک الوسائل از مرحوم آیت اله حاج میرزا حسین نوری
- مطرح الانظار از میرزا عبدالحسین خان ملقب به فیلسوف الدوله
- معارف از ابن قتیبه
- معالم العلماء از ابن شهر آشوب

- گاو بارگان پادوسبانی
و کتابهای

- ریشه های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از ۱۷ شهریور از آیت اله علامه نوری
- خاتمیت پیامبر اسلام و ابطال تحلیلی باینگری، بهائینگری و قادیانینگری از آیت
اله علامه نوری

- حکومت اسلامی ایران و تحلیلی از نهضت حاضر از آیت اله علامه نوری
- شناخت تحلیلی اسلام و برخی از مسلکها و ادیان (به سه زبان فارسی، عربی و
انگلیسی) از آیت اله علامه نوری
و کتابهای دیگر....



برخی از علمای بزرگ و مجتهدان و فضلاء منطقه «نور»

مرحوم آیت اله شیخ جعفر نوری: که از اجلّه فقها و از شاگردان مرحوم صاحب جواهر بودند و رحل اقامت در تهران افکنده و پس از مدّتی در حرم «ابن بابویه» به خاک سپرده شدند.

فقیه و فیلسوف بزرگوار آیت اله آخوند ملاعلی نوری: که از بزرگان عصر و فحول علما محسوب بوده و حواشی و تعلیقات متعددی بر کتب عقلیه و نقلیه نگاشته اند و در اصفهان و خراسان پس از دوره علمی نجف به سر می بردند.

مرحوم آیت اله آقا شیخ محمد تقی مجتهد کلاغر: که از اجلّه علمای منطقه

محسوب بوده و عمرش را در خدمت به اسلام به سر رسانید.

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین میرزا محمد تقی یالرودی نوری: که تخلص شعری ایشان «علامه نوری» بوده، مسقط الرأس وی یالرود نور بوده است و ایشان حوزه علمی و مدرسه دینی در یالرود نور تأسیس نمودند که طلاب فراوانی در آن جا تحصیل می کردند.

(شخصیت بزرگوار، ملاّ عباس لاشکی کجوری، داماد مرحوم میرزا محمد تقی یالرودی نوری بودند که شرح حال ایشان در قسمت علمای منطقه کجور مذکور است.)

فرزند برومند علامه نوری، استاد الفقها و المحدثین حاج میرزا حسین نوری: که صاحب بیش از ۷۰ مجلد می باشند و از جمله آنها کتاب لؤلؤ و مرجان، نجم ثاقب و مستدرک الوسائل و دیگر کتب فراوان بود. ایشان نیز به مانند پدر از یالرود نور بوده است، این مرحوم، استاد ثقة المحدثین، محدث و عالم بزرگوار، مرحوم حاج شیخ عباس قمی بوده است که دارای کتب فراوانی است و از جمله آنها کتاب مفاتیح الجنان است که در دسترس عام و خاص می باشد و ایشان (آیت اله حاج میرزا حسین نوری) دایی و پدر زن مرحوم آیت اله شهید آقا شیخ فضل اله نوری بوده است.

مرحوم آیت اله آقا شیخ عبدالنبی مجتهد نوری: از علمای بنام نجف و از شخصیّتهایی بودند که بعداً در تهران اقامت گزیدند و استاد کثیری از علما و مرجع

عام و خاص شدند که مسجدی بنام ایشان (مسجد آقا شیخ عبدالنبی نوری) در خیابان سیروس تهران بنا شده است و صاحب فرزندان ذی اثر و نواده‌های گسترده‌ای نیز گردیدند....

مرحوم آیت اله آقا شیخ علی مدرس نوری (الیکائی): که از علمای بزرگ زمان بوده و در تهران حوزه تدریسی داشته است. از جمله تلامذۀ ایشان مرحوم بدیع الزمان فروزانفر ادیب و مؤلف معروف بوده است.

مرحوم آیت اله حاج سید اسماعیل عقیلی (اوزیج): که از جمله علمای حوزه نجف و صاحب تألیفات و آثار متنوع می باشد که از جمله آن دوره کتاب کفایت الموحیدین در علم کلام و اصول عقاید می باشد (که چاپ و منتشر گردیده است) و از تبار این بزرگوار ذکوراً و اناثاً شخصیات علمی نامداری به ظهور رسیدند، از جمله آنها حضرت آیت اله آقای حاج سید اسماعیل مرعشی می باشد که خود از علمای معروف تهران و صاحب تألیفات متعدد هستند.

مرحوم آیت اله آخوند ملا محمد وازی نائجی: که از فحول علمای عصر محسوب بوده و از دهکده وازنور بوده و صاحب کتابی در مبدأ و معاد به زبان فارسی و عربی و دیگر آثار می باشد.

مرحوم آیت اله حاج شیخ محمود توکلی نوری: از دونای نور که سالها در اصفهان اشتغال به تحصیل و تدریس داشته، سپس با معاضدت عضدالملک به نجف رفته و بیش از دوازده سال در حوزه درس آیت اله العظمی میرزای شیرازی تلمذ

نموده و آنگاه به ایران برگشت و در مسند ترویج و احیای علوم اسلامی در تهران قرارداداشت و تعلیقات و رساله هایی از استاد خود برجای نهاد و در سال ۱۳۱۰ درگذشت.

مرحوم آیت اله شیخ حسن نوری: که از اجلة علمای حوزه های علمیه نجف و غیره بوده و پس از مراجعت، در دهکده یوش به تأسیس حوزه دینی و مدرسه ای برای طلاب علوم اسلامی پرداخت که سالها معمور بود و یکصد تن از طلاب علوم دینی در آن جا به کسب دانش مشغول بودند.

مرحوم آیت اله آقای سید علی نوری: که از مجتهدین بنام بوده و در نجف می زیسته و زمانی در معیت آیت اله سید احمد شهرستانی و جمعی دیگر به بلده تشریف فرما شدند و مورد استقبال و تکریم فراوان قرار گرفتند. فرزندان و اقارب این مرحوم نیز به مانند پدر بزرگوار، خدمات و برکات علمی گوناگون دارند، برخی از آنها در عراق و جمعی در ایران و خارج به فعالیت های دینی مشغولند.

مرحوم آیت اله آقای حاج میرزا محمد ثقفی نوری: از اکابر علما و فقهای عصر و اجداداً از کمرودونور بوده و از علمای خطّه نور و خود و پدرانیش از افتخارات منطقه نور محسوب بودند، نامبرده پس از حوزه علمیه قم و درک محاضر اساتید و فقها به ویژه مرحوم آیت اله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در تهران اقامت جسته، به تحقیق و تدریس و تألیف مشغول بودند. دوره تفسیر روان جاوید از جمله آثار این مرحوم است که چاپ گردیده است. فرزندانش نیز از خدمتگزاران

به اسلام می باشند. به ویژه حجت الاسلام والمسلمین آقای میرزا حسن ثقفی نوری. «مرحوم آیت اله ثقفی نوری» پدر خانم، «مرحوم آیت اله العظمی خمینی» (قدس سره) می باشند.

مرحوم آیت اله شیخ شعبان نجفی: که از دهکده «نُج» برخاستند و پس از فراغت از حوزه نجف به ایران بازگشته، زمستانها را در آمل و تابستانها را در دهکده «نُج» به تدریس و تحقیق و تعلیم و تألیف رسالات می پرداختند.

و بسیاری از علماء و فضلاء فراوان که در این رساله نام شریفشان ذکر نگردیده و لازم است به مآخذ و منابع مذکور و به اطلاعات عمومی سکنه منطقه مراجعه گردد.



برخی از خانواده های محترم بلده و نور

خانواده های محترم و مؤثر و تاریخی بلده و نور، بسیار زیادند و می بایست کتابی مستقل بوسیله آقایان فضلا و ادبای عصر در این باره تألیف گردد. از باب (مالایدرک کله، لایترک کله) یعنی اگر میسر نگردد که تمامی حقائق و امور هر چیز بیان شود، لااقل بخشی از آن ذکر گردد، به اعضای محترم «هیأت تحریریه» ما و جمعی از سالمندان و جوانان منطقه «بلده» و «نور» توصیه و تأکید نمودم تا آنجا که میسر باشد اسامی این خاندانها را از قدیم و جدید جمع آوری نمایند تا در این رساله ذکر شود. و اینک به بخشی از اسامی و فامیلی هایی که دست یافتند و به خاطرشان رسید، توجه داده می شود. اگر فامیلی ها و خاندانهایی

در این رساله ذکر نشده، از آقایان و خانمهای محترم می‌طلبم، متذکر شوند تا در چاپهای بعدی این رساله بوسیله بازماندگانم جبران گردد. اکنون به اسامی معروفین از خانواده‌های بلده و اطراف قریه‌های نور پرداخته می‌شود.

از جمله آنها:

خاندان سالار مجلل و سلطانی نوری: (که از خاندان سالار خواهرزاده جد اُمّی اینجانب مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ محسن سلطان احمدی بودند.) مرحوم علی محمد سالار مجلل، برادر مرحوم معاون حضور و فرزندان مرحوم معین که دارای مناسب اجتماعی و رسمی مختلف بودند و بعضی اخلاف آنها نیز مدارجی اجتماعی طی کرده‌اند و در تثبیت موقعیت بلده و غیره دارای نقش بودند ...

خاندان امیر مصدق خواجه نوری: که آن نیز از خود «امیر» و بقیه خواجه نوریها شکل می‌گیرد و جمعی فراوان را شامل می‌شود و آنها در مناسب مختلف اجتماعی قرار داشته و دارند و از بارزین منطقه نور محسوبند که در تهران و دیگر جاها به سر می‌برند.

خاندان مشایخ: که از «مرحوم شیخ احمد نوری- قدس سره» نشأت گرفتند و خود به فامیلی‌ها و خاندان متعددی منشعب گردیدند مانند فامیلی: نصیری - سلطان احمدی - نیک رأی - زرّین، بناساز (سلطان احمدیهای قبلی) - احمدی - عالم‌زاده نوری - احمدی.

قبیله‌ها و خانواده‌های دیگر بلده مانند: روحانی - یزدان پناه - بناساز - داوهی - ایزدی نوری^(۱) - حسینی نوری - کیانی - توکلی - عبدی - معینی - بازدار - سپهری - رزّاقی - آشتری - مهدوی نژاد - محمدی - فارسی - لاری - اسلامی - تاجور - پیامی - سعیدی - زرّین - کمالی - علیزاده - عیسی فر - نادری - ابراهیمی - معراجی - تهرانی - خاتمی - سلحشور - گرجی - حسن‌زاده - خسروی^(۲) - کثیری - ساسانی^(۳) - هاشمی - شفیعی - کریمی - جلالی - نوربخش - میثاقی - مهدی‌زاده - صفاری - مهدوی - نقّاش - یزدانی - تقی‌زاده - کاظمی - آذری - جلالی... می‌باشند و جمعی بسیار از خانواده‌های محترم بلده که ذکر یکایک آنها میسر نمی‌باشد.



۱- از مرحوم «حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ داود ایزدی-ره» که از فامیل آقایان ایزدی‌ها بوده و در این چند ساله اخیر در مکه معظمه درگذشتند و در همان جا به خاک سپرده شدند، لازم است یاد شود، رحمة الله علیه.

۲- لازم می‌شود از جمله خاندان محترم خسروی، از «جناب آقای محمدعلی خسروی» که مردی صالح و خدمتگزار و دراموردینی جدبّتی فراوان دارند و معاونت اداره آب و فاضلاب را عهده‌دار می‌باشند، در اینجا قدردانی شود.

۳- از خانواده معظم کثیری، خاندان ساسانی منشعب گشته‌اند که از جمله صالحان و خدمتگزاران این خانواده، لازم است از «جناب آقای دکتر ساسانی» که اولین پزشک بلده می‌باشند و چنانکه خاطرم می‌آید، مدّتی نیز ریاست بیمارستان ولی عصر (عج) در بلده را به عهده داشتند، تقدیر و نام برده شود.

بعضی از دیگر خاندان «نور»

خاندان اسفندیاری نوری: این خاندان نیز بسیار گسترده و معظم و صاحب آثار و دارای مشاغل و مناسب متعدد در ایران بوده و می باشند. از جمله می توانید به کتاب تاریخ خانواده اسفندیاری نوری که منتشر گردیده، رجوع فرمائید.

خانواده صدر اعظم نوری: از جمله خانواده های معروف و گسترده می باشند که سوابق تاریخی مفصل دارند و از گذشته تا به حال در مشاغل گوناگون اجتماعی قرار داشتند.

خانواده بهزادی نوری: که این خانواده نیز در گذشته و حال در مشاغل و مناسب

اجتماعی مؤثر بوده و دارای افراد فراوان^(۱) بنام و آثار علمی و اجتماعی مختلف می باشند.

خانواده صدیقی نوری: از خانواده های مؤثر و سودمند منطقه محسوب و به دهکده «یاسل» مربوط و جمعی زیاد نیز از این خاندان در مشاغل و مناسب مختلف گذشته و حال قرار داشتند از جمله آنها باید از مرحوم «دکتر غلامحسین صدیقی نوری»، استاد محترم دانشگاه و وزیر کشور زمان مصدق و صاحب آثار علمی متعدد یاد کنیم.

بعضی از دیگر خانواده های سرشناس و معروف منطقه نور، عبارتند از خاندان: دیوسالار - جلالی - امجدی - آمینی - رضائی - سلیمی - پورکریمی - حسینی - طیبی - فردوسی - اسدی - کاوه - خلعتبری - شاه حسینی - نبوی - فرد - فاضلی - مرادی - خطیبی - سجادی^(۲) - ثقفی - ستوده - واشقی - ناطق نوری^(۳) - کلانی - جمشیدی نوری - علیپور - نونهالی - درویش نوری -

۱- از جمله آنها «آقای جمشید بهزادی» است که در احداث درمانگاه امام حسین (ع) «یاالرود» سهم عمده ای بر عهده داشتند.

۲- از «جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سیدعلی اکبر سجادی نوری» که از خدمتگزاران اسلام می باشند، در این فامیلی ها لازم است ذکر خیر گردد، ایشان از ائمه جماعت شهرستان نور یا بهتر بگوئیم «سولده» می باشند.

۳- لازم است از این خانواده، «مرحوم حجت الاسلام و... و خطیب محترم آقا شیخ ابوالقاسم ناطق» و همچنین از فرزندان ایشان «حجت الاسلام و المسلمین آقا شیخ علی اکبر» و برادر ایشان «آقای احمد ناطق» وکیل محترم نور و دیگر اعضای این خاندان که در خدمات گوناگون اسلامی و خدمات اجتماعی هستند، نام برده شود.

ملک محمدی - حیدری^(۱) - فلاح - نواب - فتاحی - اعلائی - مصطفوی - بنان - لسانی - ولی‌زاده^(۲) - الموتی - فرزانه - مجتهدزاده نوری^(۳) - محدث نوری^(۴) - عمیدی - رحمانی - قیاضی نوری^(۵) - سیفی - رباحی - چترچی - معراجی - سیف‌زرگر - انصاری - حق‌جو - حقایقی - نیک‌پی - سجادیان - نیک‌رویان - سیف‌فراحی - سیف‌یکتا و خانواده‌های فراوان دیگر که بحمدالله در مسائل دینی و اجتماعی سودمند و در خدمات اسلامی مشغول بکار بوده و هستند.

- ۱- مناسب می‌داند. در اینجا از خدمات ارزنده اسلامی فاضل محترم آقای «حاج ابراهیم حیدری نوری» که از جمله یاران مابوده و می‌باشند و از کسان فراوانی بودند که به همراه اینجانب دستگیر و زندان ساواک ستمشاهی گرفتار گردیده‌ایم، ذکر خیر شود (توضیحات کامل آن در کتاب «ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از ۱۷ شه‌یور» ملاحظه شود).
- ۲- از خاندان محترم ولی‌زاده که به خدمات اجتماعی و اسلامی مشغولند، باید از «جناب حجت الاسلام و... آقای ولی‌زاده نوری» خطیب محترم و شاغل در دفتر ریاست جمهوری نیز یادآور شد.
- ۳- از خاندان مجتهدزاده نوری، علما و فضلا و شخصیت‌های مختلف برخاستند که از آقای «دکتر پیروز مجتهدزاده» قبلاً یاد شد و از «جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ احمد مجتهدزاده نوری» امام جماعت مسجد کمیل و غیره که خود و اسلاف و اخلاف ایشان از خدمتگزاران اسلام می‌باشند، در اینجا یاد می‌شود.
- ۴- از «جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حبیب‌الله محدث نوری» خطیب معظم که در خیابان مجاهدین اسلام (زاله سابق) دفتر ازدواج و طلاق نیز دارند و از همین خاندان می‌باشند و در خدمات اسلامی و وعظ و ارشاد هستند، لازم است یاد شود.
- ۵- لازم می‌داند از «جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ مفید قیاضی» که از خاندان قیاضی نوری می‌باشند و هم‌اکنون امام جمعه شهرستان نور (سولده سابق) هستند، در این مقام ذکر خیر شود. خانواده محترم «قیاضی» در خدمات فرهنگی و اسلامی مشغول می‌باشند.

(«کجه» و «کجور») و یا («کجه» و «کچور»)

و شرحی تاریخی از این منطقه در «رستم‌دار»

چنانکه گفته شد، منطقه وسیع «رستم‌دار» از سه بخش تشکیل می‌شد که بعدها «نور» و «کجور» و «رویان» نامیده شدند. جملگی اینها تحت حکومت ساسانیان و تبار انوشیروان قرار داشتند. در بخش «کجور» سلسله «بنی اسکندر» حکومت می‌کردند که عبارت بودند از:

۱ - اسکندر بن کیومرث

۲ - تاج الدولة بن اسکندر

۳ - ملک اشراف بن تاج الدولة

۴ - کیکاوس بن اشرف

۵ - کیومرث بن کیکاوس

۶ - جهانگیر بن کیکاوس بن اشرف

۷ - ملک محمد بن جهانگیر

با حملات وحشیانه مغول که کشور را دچار هرج و مرج و نابسامانی نمود، سلسله «بنی اسکندر» دچار نابسامانی گردید که پس از مدتی با ظهور صفویان منقرض گردیدند و چنانکه گفتیم کاوس و اسکندر دو برادر و فرزندان کیومرث بن بیستون بودند. برحسب نقل مصادر عربی در جغرافیای طبرستان و برحسب نقل از تواریخ و دائرةالمعارفها و نیز فرهنگ دهخدا و کتب تاریخ طبرستان، و دائرةالمعارف فارسی مصاحب (دکتر غلامحسین) در ماده رویان و کجور، در علت نامگذاری «کجور» اختلاف نظر است. برخی «کجور» را از واژه «کجه» یا «کچه» از آبادی های «رویان» می دانند، اما آنچه صحیح تر به نظر می رسد، آنکه «کجور» از کلمه «کَجَوَر» باشد. «کَجَوَر» و کَجَوَران به مردمی گفته می شد که به شغل «کچه سازی» و «کتراسازی» و «لاک سازی» و امثال آن می پرداختند. از مشاغل مهم این خطه ساختن ظروف چوبی بود، که از جمله آنها کچه و لاک و کترا (به زبان محلی) می باشد و به همین جهت مردم منطقه را کَجَه وَر و کچه واران می خواندند و باز به نظر می رسد کلمه کچه و کجه و کَجَه وَر با نام جدید گرفتن خطه ای از «رستمدر» به «نور» تعریف گردید و در فرهنگ عربی که «ج» به «ج»

تبدیل می‌شود، کم‌کم در کنار نام نور، نام کجه و کچه و کچه و ر به «کجور» که مشابه و هماهنگ با کلمه «نور» است، تغییر یافته است، و این گونه تغییر یابی کلمات و هم وزن شدن با دیگر اسامی در عرف و ادبیات زبان فارسی و عربی رایج است، چنانکه اهل ادب و اصطلاح بر زبانها به چنین امری کاملاً واقفند.



علماء و شخصیت‌های بزرگ منطقه کجور

این خطّه از «رستمدار» نیز مانند «نور» از شخصیت‌های برومند و خاندانهای بنام و بسیاری افاضل و علمای معروف و مردمان صالح و خاندانهای خدمتگزار به اسلام و جامعه تشکیل است که مفصل آن را در تاریخهای گوناگون طبرستان و معجمهای علمی و ادبی می توان یافت.

به عنوان تیمن برخی از آیات و اعلام و فقها و صاحب‌نظران را نام می بریم، مانند: مرحوم آیت اله العظمی حاج شیخ مهدی کجوری شیرازی : صاحب تعلیقات متعدد بر متون فقهیه و کتب علمیه و نیز رساله عملیه.

مرحوم آیت اله ملاعلی باباکجوری .

مرحوم آیت اله شیخ ابوالقاسم کجوری طالقانی: صاحب کشف الشکوک و بعضی از قوائد فقهیه.

عالم بزرگوار مرحوم حجت الاسلام و... ملاعباس لاشکی کجوری: ایشان پدر بزرگوار مرحوم آیت اله حاج شیخ فضل الله نوری شهید - ره (که ما شرح حال این بزرگوار شهید را در مصاحبه مفصلی که مربوط به انقلاب مشروطیت و نام ایشان داشتیم و چاپ و منتشر گردیده است، ذکر نمودیم). هستند. عالم بزرگوار مرحوم ملاعباس داماد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی یارودی نوری معروف به «علامه» که «تخلص شعری» ایشان بوده، گردیدند.

غیر از آنها از افاضل و بزرگان دیگر.

رجال اجتماعی این ناحیه طبعاً در آلسنه و تواریخ، شایع و مکتوب است. به کتب مربوطه در این زمینه مراجعه شود.

خانواده‌ها و فامیل‌های سودمند و کارگشای این منطقه از هزارها بیشتر و بسیار فراوانند که در اینجا مجال ذکر آنها نیست مانند خانواده‌های ^(۱): مشایخی - سالارفاتح - دیوسالار - نواب - فلاح و ...

۱- از معاریف خانواده‌های فوق از جمله: «جناب آقای مشایخی» مدیرکل «آموزش و پرورش» که از خانواده‌های روحانی و شخصیتی صالح می‌باشد و همچنین از «آقای دکتر فلاح» که در معاونت بیمه و درمانی بیمارستانها و درمانگاههای کشور به خدمت مشغولند، لازم است نام برده شود و همچنین از «جناب آقای مهندس ضیاء نواب» که در «پتروشیمی» به خدمات اجتماعی اشتغال دارند، قدردانی می‌شود.

منطقه «رویان»

«رویان»، ناحیه قدیمی ایران شمالی، مشتمل بر قسمت غربی ولایت مازندران است، که از یک ناحیه به اطراف دریای خزر منتهی می‌شود و از نظر جغرافیای قدیم و جدید از متون کتب عربی و نیز از کتب و دائره المعارفهای فارسی بر می‌آید، با نقاط مختلف کلّ این مناطق پیوست و اتصال طبیعی داشته است، چندانکه کوههای پیوسته کلّ این مناطق به عنوان «جبال خمسه» (کوههای پنجگانه) - و یا به تعبیر برخی دیگر از جغرافیا دانان گذشته «جبال سته» یا «کوههای شش گانه» به هم پیوسته تعبیر می‌شده است، که نام این کوهها به ترتیب:

۱ - جبال رویان

۲ - جبال دیلمان

۳ - جبال رستم‌داران

۴ - جبال شمیران

۵ - جبال لواسان

۶ - جبال طالقان بودند.

منطقه «رویان» خود منطقه وسیعی است و از قراء و قصبات و شهرهای مختلف تشکیل می‌شود و مسائل تاریخی گوناگونی به همراه دارد، چنانکه از شخصیات و علما و صاحب نظران متعدد در طی آژمنه و قرون مختلف برخوردار است که در تواریخ، مصدور می‌باشد.



بعضی از علماء و بزرگان رویان

عبدالواحد بن اسماعیل رویانی: از اکابر علما و فقها بوده و مورد تجلیل و تعظیم نظام‌الملک معروف قرار داشت و از نظر تألیفات نیز کثیرالتألیف بوده و بخصوص در علم خلاف و اختلاف مابین فقها در اقوال و نظرات، دستی توانا داشته است و در آمل طبرستان مدرسه علمیه ساخته و دارای آثاری چون:

۱ - بحرالمذهب که در فقه شافعی از بهترین کتاب‌ها محسوب است.

۲ - التجربة

۳ - التخبیر

۴ - تکملة السعادات فی تکملة العبادات المسنونات (به فارسی)

۵ - التلخیص

۶ - الجعفریات در فقه جعفری و آراء امام صادق (ع)

۷ - جمع الجوامع

۸ - حلیة المؤمن

۹ - الشافی و

۱۰ - الکافی... بوده است.

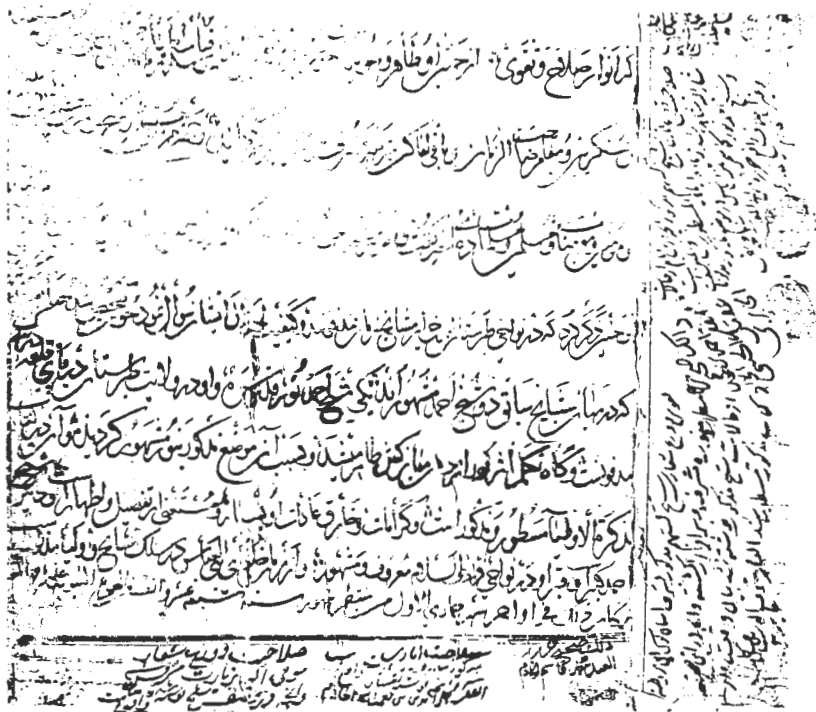
و نامبرده اولین کسی است که حکم به تکفیر فرقه باطنیه یا قرامطة اسماعیلیه داده است و از طرف همین فرقه باطنیه در سال ۵۰۲ هـ ق مقتول گردید و لازم به ذکر است به نقل از کتاب ریاض العلماء، او از شیعیان و از مشایخ سید فضل الله راوندی و نظائر وی بوده، اما در آن زمان خاص تقیه می نموده است. (به مصادری چون وفيات الاعیان ابن خلکان جلد ۱ ص ۳۲۲ و نامه دانشوران جلد ۶ ص ۷۶ و مستدرک الوسائل ص ۳۲۵ و مواضع متعدد از الذریعه و نیز ریحانة الادب مراجعه شود).

و نیز باید از محدث بزرگوار و راوی جلیل القدر علی رویانی یاد کنیم که در کتب رجال از این شخصیت بارز علمی و شیعی اسلامی نام برده شده است. و اشخاص و مقامات متعدد دیگر... که در کتاب تراجم مذکورند.



قسمت تصاویر اسناد و قبالة مالی
که در این کتاب به آنها اشاره شد و وعده داده ایم
که فوکی آنها نقل شود

سند مربوط به «حضرت شیخ احمد نوری» و مدفن ایشان در «در بندک» (بلده) ...



در این سند و قبالة (قسمتی از آن کپی شد) که به وسیله (جدّ دهمین اینجانب) مرحوم شیخ شریف رستم‌داری نوری از بعضی بزرگان و صاحب‌نظران اخذ گردید، روشن می‌شود که محدث نامی مرحوم شیخ احمد نوری در پای «قلعه» «در بندک» مدفون است و به هنگام تکلم اثر نور از دهان مبارکش ظاهر می‌شد و نیز از نام رستم‌داری استنباط می‌شود که این نام، نام سابق این ناحیه بوده است. چنانکه به تفصیل در گذشته بیان گردید.

مهر «کیومرث بن بیستون» (پدر بنی کاوس و بنی اسکندر)
که در آن نام «شیخ احمد نوری - علیه التحیه» آمده است



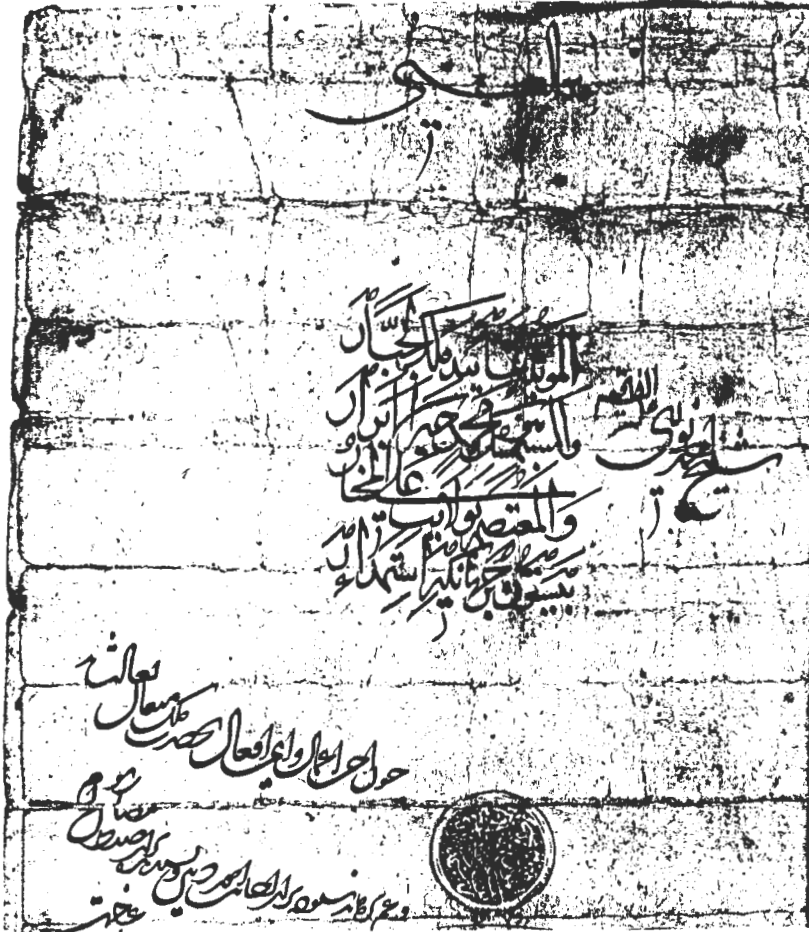
در این نامه (قسمتی از آن کپی شد) که از جانب «ملک کیومرث بن بیستون»
✍

(پدرشاهان بنی کاوس و بنی اسکندر) می باشد، درباره مَزار «حضرت شیخ احمد - قدس سره» و مطالب دیگر، در امضای رسمی و مهر مخصوص و در کنار نام شیخ احمد نوری - رحمه الله فرمانی صادر شده است. در این زمان معلوم می شود، هنوز این سلسله ها «تشیع» خود را در مهر رسمی اظهار نمی کردند. البته در حاکمان بعد و در امضاها رسمی و کنار اسم شیخ احمد نوری، تشیع خود را اظهار می نمودند، چنانکه بعداً خواهیم دید.

(اصل این سند و سایر اسناد منحصرأ در کتابخانه اینجانب موجود می باشد.)



مهر «بیستون بن جهانگیر» (و تشیع وی)
در کنار نام «شیخ احمد نوری - علیه الرحمه»

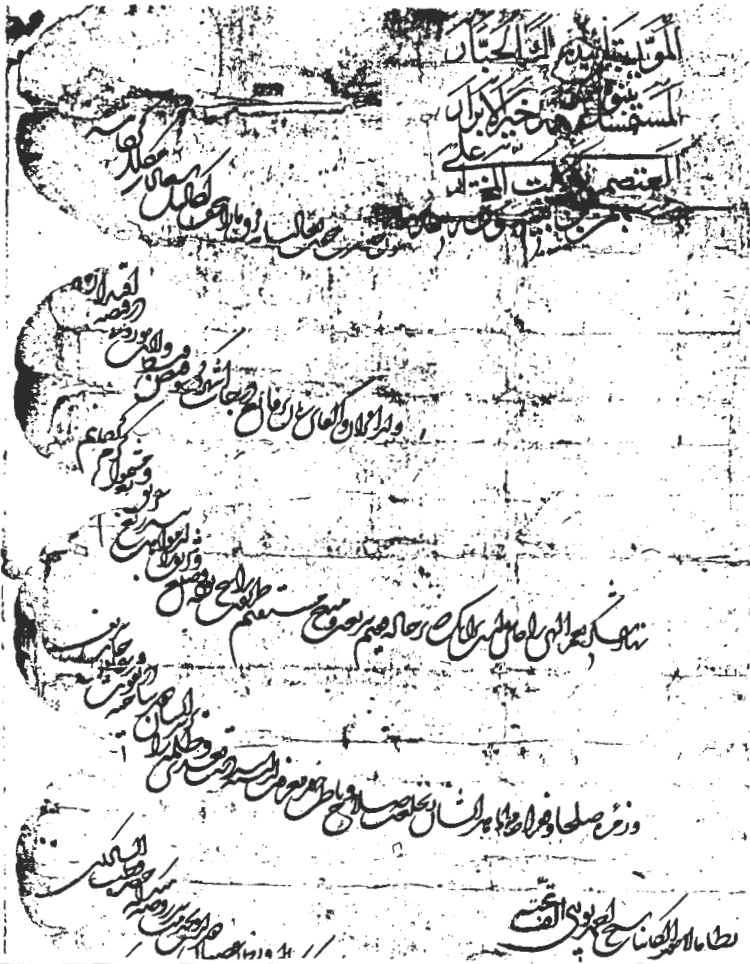


در این سند (قسمتی از آن کپی شد) که با مهر مخصوص «بیستون بن جهانگیر»


رستم‌دار» و در کنارش نام «شیخ احمد نوری - علیه التحیه» آمده است، «تشیع» این مقام نیز کاملاً هویدا است و معلوم می‌شود از این زمان کاملاً خاندان بنی کاوس و سایر حکام شیعه گردیده و تشیع خود را در مهرهای رسمی اظهار می‌داشتند. این سند و دیگر اسناد و قباله‌ها منحصراً در کتابخانه اینجانب (یحیی نوری) به عنوان مهمترین اسناد تاریخی و خانوادگی و تاریخ نور و بلده ضبط است و این اسناد و بسیاری از اسناد دیگر به علل گوناگون، فتوکپی آن حتی به کتابخانه مرکزی و مرکز گردآوری اسناد تاریخی داده نشده است ...



مهر «بهمن بن بیستون» در کنار اسم
«شیخ احمد نوری - علیه التحیه» در مورد تولیت مزار و موقوفات



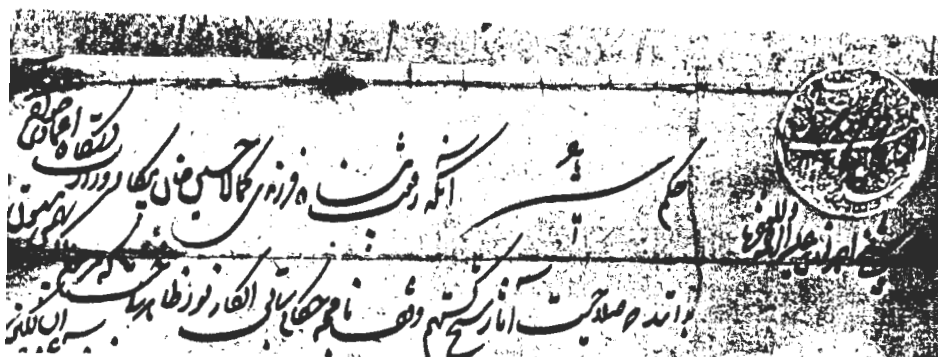
در این سند (قسمتی از آن کپی شد) که به امضای رسمی «ملک بهمن بن بیستون



رستم‌دار» و در کنار آن نام شریف «شیخ احمد - علیه التحیه» آمده است، یکی از اسنادی است که نشان می‌دهد، به تدریج چگونه «رستم‌دار» به «نور» بدل شده است. این سند در بعضی از مطالب، مربوط به مزار و تولیت و موقوفات و امثال آن است. اصل این سند نیز منحصراً در کتابخانه اینجانب موجود می‌باشد.



**مهر «شاه اسماعیل ثانی» از سلاطین صفویه
در کنار نام «شیخ احمد نوری - علیه الرحمه»**



در این سند (قسمتی از آن کپی شد) که بامهر و امضای شاه اسماعیل ثانی و در کنار آن نام شریف «شیخ احمد نوری - علیه الرحمه ...» مندرج است، به بعضی از مسائل موقوفه حضرت شیخ و متصدیان آن می‌پردازد. در این سند از کلمه رستم‌داری و حاکمان رستم‌دار این خطه نام و نشانی نیست و فقط سخن از نام «نور» است و چنانکه در گذشته بیان داشتیم، حاکمان رستم‌دار بوسیله «مغول» متقرض شدند... و اینک سلاطین صفویه، حکام مناطق مختلف ایران و از جمله «نور» گردیدند.

(اصل این سند به مانند سایر اسناد، منحصرأ در کتابخانه اینجانب موجود می‌باشد.)

مهر «شاه سلیمان» از سلاطین صفویه
در مورد تولیت مزار «شیخ احمد نوری - علیه الرحمه»



این سند نیز (قسمتی از آن کپی شد) به مهر و امضای شاه سلیمان از شاهان صفویه و با نام شیخ احمد نوری مربوط است و چنانکه از نظر تاریخی روشن است، «شاه سلیمان» مدتها پس از شاه اسماعیل ثانی به مقام سلطنت رسیده است و معلوم است که پس از انقراض سلسله بنی کاوس و مشهور شدن منطقه به «نور» اینگونه احکام از صفویه صدور یافته است.

(اصل این سند منحصراً در کتابخانه اینجانب موجود می باشد.)

**مهر «شاه سلطان حسین» از سلاطین صفویه
در کنار نام «شیخ احمد نوری - علیه التحیه»**



در این سند (قسمتی از آن کپی شد) که مربوط به عصر «شاه سلطان حسین صفوی» و مهر و امضای ایشان و نیز با نام شریف «شیخ احمد نوری - علیه التحیه» می باشد، درباره بعضی مسائل مربوط به مسجد و مزار و موقوفات حضرت شیخ، توضیحاتی دارد... اما نکته مهم تر آنکه در این آزمه که قدرت به

👉

دست شاهان صفوی افتاد، آنها طبق رویه و عرف عارفانه خود لقب «سلطان» را نیز برنام این فقیه و محدث بزرگ افزودند و از چنین تاریخ، مرحوم شیخ احمد نوری به تدریج به شیخ سلطان احمدنوری در بعضی از افواه ملقب گردیده است و ما در صفحات قبل از تصاویر در این باره کاملاً توضیح داده‌ایم (رجوع شود به ص ۱۸ از متن رساله)

(اصل این سند نیز منحصراً در کتابخانه اینجانب موجود می‌باشد.)



**مهر «آغا محمدخان قاجار» در کنار نام
«شیخ احمد نوری - علیه الرحمه» و در پاسخ
به درخواست «مرحوم آیت اله شیخ عبداللطیف نوری»**



این سند نیز (قسمتی از آن کپی شد) که فتوکپی قسمتی از آن در اینجا آمده، مربوط به مهر و امضای «آغا محمدخان قاجار» و دفتر ایشان می باشد که نام شیخ احمدنوری (باحذف کلمه سلطان) ذکر شده است و دربارهٔ تولیت مسجد و مزار و مراتع و مزارع موقوفه حضرت شیخ توضیحاتی بیان می دارد. نکتهٔ جالب آنکه کلمهٔ «سلطان» که در عصر صفوی بر عناوین حضرت شیخ افزوده گردیده از زمان قاجار حذف گردید.

(اصل این سند نیز منحصرأ در کتابخانهٔ اینجانب موجود می باشد.)

نکات قابل توجه در مورد وقف نامه «مرحوم آیت اله حاج ملانصیر نوری - علیه الرحمه» و بیان مرکزیت «بلده» در «نور»

این وقفنامه تاریخی عالمانه، نشان می دهد:

۱. مرحوم آیت اله حاج ملانصیر نوری، قبرستان مسجد جامع را (که قبلاً باغ رضوان وی بود)، وقف عام برای مردم بلده و غیرو نمود و «مسجد جامع» را بنا ساخت و مسجد کوچکی که در آغاز بوسیله اجداد ما و ایشان بنا گردیده بود، در همین مسجد جامع قرار گرفت.

۲. و نیز این سند و وقفنامه نشان می دهد که قریه بلده مرکز الکای نور (یابخش نور) بود.

۳. و نیز تصریح دارد که مرحوم آیت اله حاج ملانصیر نوری به تعبیر خود وی، از علمای اسلام و سالها برای فقاہت و «تفقه در دین» در نجف اشرف به سر می برد و با آیه ای که از آن استناد جسته، به نحو ضمنی بیان داشته است که به درجه اجتهاد و فقاہت نائل آمده است.

۴. و نیز این وقفنامه بیان می دارد لقب خاندان ما از آغاز «نوری» بوده است. چنانکه ذکر می کند: (این احقر نام حاج ملانصیر نوری ...)

۵. و نیز این سند در مقام حدود چهارگانه قبرستان بیان می‌دارد از سمتی به پشت حیاط و باغچه مرحوم والد علامی حاج شیخ عبداللطیف النوری (طیب الله رمسه)... و این می‌رساند که مرحوم پدرش آیت اله حاج شیخ عبداللطیف نوری نیز اولاً از علامه‌های زمان بوده و ثانیاً مانند پدران خود به «نوری» نیز ملقب بوده‌است.

۶. و نیز این سند بیان می‌دارد بعد از دو سال از وقف نمودن قبرستان، مسجد جامع را با کوبیدن مسجد کوچک قدیم ساخته و بیان می‌دارد مسجد کوچک قدیمی را نیز اجداد ما و ایشان ساخته بودند...

۷. و نیز این وقفنامه بیان می‌دارد، تولیت این مسجد و مزار برای اصلح و أعلم اولاد ذکور نسل وی می‌باشد.

۸. و از اوقاف مسجد و مزار در عمران این مسجد باید استفاده شود.

۹. و بیان می‌دارد مرحوم حاج شیخ اسمعیل نوری که در زمان حیات پدر خود مشغول تحصیل علوم اهل بیت و کسب مراتب اجتهاد در نجف بودند (و بعدها از مجتهدین زمان خود گردیدند)، پس از فوت پدر متصدی تولیت می‌باشند.

خوانندگان محترم به بقیه مطالب این وقفنامه و نکات آن، خود توجه خواهند فرمود.

تکلیف بخیر
شیخ اسمعیل نوری
۱۳۷۳

توضیحاتی در مورد بقعه و مزار محدث بزرگوار «حضرت شیخ احمد نوری - قدس سره»

اکنون در پایان کتاب تصویر و عکسی از مزار محدث و فقیه بزرگوار شیخ احمد نوری (عطرالله مرقده) ارائه می گردد.

این تصویر و تصویر دیگر مرقد و مزار مربوط به چندین سال قبل از تألیف این رساله است (چنانکه در کتاب ما، «خاتمیت پیامبر اسلام و...» چاپ گردیده) و اخیراً در حدود چهار سال قبل، اینجانب مزار حضرت شیخ را مرمت نموده و سقف سفید رنگ آن را با شیروانی طلائی رنگ ساختم و در مسجد جامع نیز قسمت زنانه را در دو طبقه تجدید بنا نمودم. تصاویر بعد از مرقد، مربوط به سردر بنای بیمارستان ولی عصر بلده نور است که حیف دیدم در این رساله از بنای بیمارستانی که در سال ۱۳۵۱ آن را تأسیس نموده‌ام و هم اکنون مشغول خدمت به جامعه است، یاد ننمایم.

تصویر بقعه و مزار «حضرت شیخ - قدس سره»



در این تصویر ضمن آنکه مرقد و مزار حضرت شیخ احمد نوری - قدس سره، دیده می شود، بخشی از قلعه و دیگر نقاط در بلده را ملاحظه می فرمائید.



تصویری از بقعه و مزار فقیه و محدث بزرگوار حضرت شیخ احمد نوری - علی الله مقامه

سر در بیمارستان ولی عصر (عج) در «بلده»



The front view of the Wali Asr Hospital at noor.

تصویر شماره ۲- سر در بیمارستان ولی عصر در بلدة نور

نمایی از افتتاح بیمارستان



تصویری از جمعیت به هنگام ورود آیت‌الله علامه نوری به «بلده» جهت افتتاح بیمارستان ولی عصر (عج) در سال ۱۳۵۱ (باید ذکر شود که احداث این بیمارستان در نیمه شعبان سال ۱۳۵۰ آغاز و نیمه شعبان سال ۱۳۵۱ افتتاح گردید).

**فهرست کتبی که در این رساله نام آنها آورده و یا مورد
استناد قرار گرفته است (به ترتیب حروف تهجی «الف»):**

آ

- آثار عجم از میرزا محمد سفیر حسینی

الف

- اتقان المقال فی احوال الرجال از شیخ محمد طه
- احسن الودیعه فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه از سید محمد مهدی خوانساری
- اخبار العلماء باخبار الحکماء از ابن القفطی
- الفهرست از ابن الندیم

- الکنی و الاسماء من رجال الحديث از ابوبشر دولابی

- الکنی و الالقاب از مرحوم محدث بزگوار حاج شیخ عباس قمی

ت

- تاریخ اجتماعی ایران از دکتر رضا شعبانی

- تاریخ بغداد از خطیب بغدادی

- تاریخ خاندان اسفندیار نوری از مرحوم اسداله خان اسفندیاری نوری

- تاریخ خاندان مرعشی مازندران از میر تیمور مرعشی

- تاریخ رویان از نشریات کتابخانه اقبال

- تاریخ طبرستان از بهاءالدین اسفندیار کاتب

- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران از ظهیرالدین مرعشی

- تاریخ گیلان دیلمستان از سید ظهیرالدین مرعشی

- تشیع و مشروطیت در ایران از عبدالهادی حائری

- تنقیح المقال فی علم الرجال از حاج شیخ عبدالله مامقانی

ح

- حکومت اسلامی ایران و تحلیلی از نهضت حاضر از آیت اله علامه نوری

خ

- خاتمیت پیامبر اسلام و ابطال تحلیلی بایبگری، بهائیکری و قادیانیکری از آیت اله علامه نوری

د

- دائرة المعارف فارسی از دکتر غلامحسین مصاحب

ر

- روضات الجنات، فی احوال العلماء و السادات از مرحوم خوانساری
- ریشه های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از ۱۷ شهریور از آیت اله علامه نوری

س

- سلک الدررفی اعیان القرن الثانی عشر از سید محمد خلیل مرادی

ش

- شناخت تحلیلی اسلام و برخی از مسلکها و ادیان (به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی) از آیت اله علامه نوری

ط

- طبقات سلاطین اسلام از استانی لین پول

ع

- علویان طبرستان

از ابوالفتح حلیمیان

ف

- فرهنگ دهخدا

از علی اکبر دهخدا

ق

- قاموس الاعلام (درشش جلد)

از شمس الدین سامی

- قصص العلماء

از میرزا محمد تنکابنی

ک

- کشف الظنون

از چلبی

گ

- گاو بارگان پادوسبانی

از چراغعلی اعظمی سنگسری

ل

- لغات تاریخیه و جغرافیه

از احمد رفعت

م

- مازندران و استرآباد

از راینو

- مآثر و آثار

از محمد حسن خان اعتماد السلطنه

- مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری
- مجاهدان و شهیدان راه آزادی از دکتر شمس الدین امیر علائی
- مجلّات الذریعه از مرحوم آیت اله حاج آقابزرگ تهرانی
- مجلّات تاریخ طبری از طبری
- مجلّات ریحانة الادب از مرحوم مدرس تبریزی
- مجمع الفصحا از رضا قلی خان هدایت
- مستدرک الوسائل از مرحوم آیت اله حاج میرزا حسین نوری
- مطرح الانظار از میرزا عبدالحسین خان ملقب به فیلسوف الدوله
- معارف از ابن قتیبه
- معالم العلما از ابن شهر آشوب
- معجم الادباء از یاقوت حموی
- معجم المطبوعات العربیه و المعربه از یوسف الیان سرکیس که مرحوم «حاج شیخ عباس قمی» از این کتاب بسیار نقل می فرماید.

ن

- نامه دانشوران از جمعی از فضلا

و

- وجیزه از مرحوم علامه ملا محمد باقر مجلسی

- وفیات الاعیان از ابن خلکان

هـ

- هدیة الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی و الالقاب و الانساب از مرحوم حاج
شیخ عباس قمی



نام بخشی از کتابها و رساله‌ها و تالیفات آیت‌الله العظمی علامه نوری

جهت تسهیل در تهیه و خرید کتابها بلاواسطه - برای خریداران تهران و شهرستانها - باریختن قیمت کتاب بشماره حساب ۱۰۱۲۵ تهران بانک ملی ایران - شعبه میدان شهدا و ارسال رسید آن با ذکر نام کتاب مورد نظر - و آدرس خریدار - به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۶۷۱ - و تماس تلفنی با دفتر انتشارات بشماره‌های ۳۱۲۹۸۹۴ - ۳۱۲۹۳۴۳ کتابها بدون هزینه پستی ارسال می‌گردد، و اینک نام کتابها:

* اسلام و عقائد و آراء بشری - یا جاهلیت و اسلام - چاپ نهم - قطع وزیری

۸۰۰ صفحه - ۴۲۰۰ تومان

* توضیح المسائل - رساله عملیه - حضرت آیت‌الله علامه نوری - چاپ دوم - قطع وزیری

۶۵۰ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

* رساله مناسک حج و عمره - و زیارات - چاپ دوم - قطع وزیری

۱۶۰ صفحه - ۵۰۰ تومان

* وصول به کرامت انسانی - یا اخلاق و خودسازی - چاپ دوم - قطع رقعی

۲۶۰ صفحه - ۸۰۰ تومان

* نه ۷۲ تن - بلکه ۲۲۸ تن از شهدای کربلا - و عاشورای حسینی - چاپ دوم - قطع رقعی

۱۲۴ صفحه - ۵۰۰ تومان

* فلسفه دعاء و ضوابط و شرایط آن - سجده و مکاشفه - چاپ دوم - قطع رقعی

۱۶۴ صفحه - ۶۰۰ تومان

* معرفه‌الله، معرفت نفس، معرفت عبودیت - سجده و مکاشفه - چاپ دوم - قطع رقعی

۱۴۰ صفحه - ۵۵۰ تومان

* ضرورت دین - و علل بیدینی - چاپ اول (آماده نشر است) - قطع رقعی

۲۰۰ صفحه - ۶۰۰ تومان

* شناخت تحلیلی اسلام و برخی از مسلکها و ادیان - به دوزبان فارسی و انگلیسی - چاپ دوم - قطع وزیری ۱۳۸۰ صفحه - ۴۷۰۰ تومان

(کتاب نامبرده توضیحی از اصول عقائد و احکام و نظام اسلام - و دیگر ادیان و عقائد معروف در جهان می باشد، با تصاویری از هزارها اشخاص و کسانیکه با ارشاد حضرت آیت الله علامه نوری اسلام اختیار نمودند و علل پذیرش اسلام را با قلم خود نگاشته اند.....)

* شناخت تحلیلی اسلام و برخی از مسلکها و ادیان - به زبان فارسی - قطع وزیری ۹۲۰ صفحه - ۳۲۰۰ تومان

توضیحی از اسلام و ادیان موجود چون یهود - مسیحیت - زرتشتی و یا بودائی و هندو و شینتوئیسم و تصاویر اسلام پذیرفته ها و توضیحاتی از علل پذیرش اسلام و... بفارسی

* شناخت تحلیلی اسلام و برخی از مسلکها و ادیان - به دوزبان فارسی و انگلیسی (از چاپ اول کمی باقیست) ۱۲۵۰ صفحه - ۴۳۰۰ تومان

* شناخت تحلیلی اسلام و برخی از مسلکها و ادیان - به زبان فارسی - چاپ اول - قطع وزیری ۸۵۰ صفحه - ۳۰۰۰ تومان

* تحقیقی در تشیع - امامت - ومهدویت - (به دوزبان فارسی و انگلیسی) - چاپ سوم - قطع رفعی ۷۲۰ صفحه - ۱۶۰۰ تومان

* خاتمیت پیامبر اسلام - ابطال تحلیلی بهائیکری - قادیانیگری - (به دوزبان فارسی و انگلیسی) - چاپ دوم - قطع رفعی ۲۳۰ صفحه - ۷۵۰۰ تومان

* ISLAM - A Final. Perfected & Universal Religion

در معرفی اسلام و عقائد و احکام و نظامات اسلام و تشیع - به زبان انگلیسی - قطع رفعی ۳۰۰ صفحه - ۱۲۰۰ تومان

* خاتمیت پیامبر اسلام و ابطال تحلیلی بابیگری و بهائیکری و قادیانیگری - به زبان انگلیسی - قطع رفعی ۱۰۰ صفحه - ۴۵۰۰ تومان

* FINALITY OF PROPHTHOOD & ACRITICAL ANALYSIS OF BABISM
BAHAISM,QADIYANISM

- * شناخت عقائد و احکام و نظام و تعالیم اسلام - (به زبان ژاپنی) - قطع وزیری
 ۳۸۰ صفحه - ۲۵۰۰ تومان
- * معرفة تحليلية عن الاسلام و بعض الاديان و المذاهب - به زبان عربی - چاپ دوم - قطع وزیری
 ۹۱۵ صفحه - ۳۲۰۰ تومان
- * مطارحات مع قادة الفكر الاسلامية - به زبان عربی
 (با شرکت حضرت آیت اله صدر و حضرت آیت اله مکارم شیرازی و حضرات آیات و حجج دیگر...)
 چاپ دوم - قطع وزیری و رقعی - چاپ لبنان - ۳۳۸ صفحه
 * حقوق زن در اسلام و جهان - چاپ ششم (در دست انتشار است)
- ۶۰۰ صفحه - ۲۵۰۰ تومان
- * تحقیقی در آئین یهود و مسیحیت و زردشتی و صابئین ... - چاپ سوم (در دست انتشار است)
 ۲۲۰ صفحه - ۷۰۰ تومان
- * کلیاتی از حکومت اسلامی - (به همراه ترجمه آن به انگلیسی) - چاپ چهارم - قطع رقعی
 ۲۶۰ صفحه - ۷۰۰ تومان
- * چهار رساله
 - در: تاریخ شیعه - ادله امامت - سیره امامان - حضرت مهدی «عج» و مهدویت
 ۲۰۰ صفحه - ۶۰۰ تومان
- * پیام به جهان اسلام به سه زبان (فارسی - عربی - انگلیسی) - (در وجوب مقابله با اسرائیل)
 ۱۵۰ تومان
- * رساله نماز و ترجمه نماز و اصول دین (برای جدید الاسلام‌ها) - به دوزبان (انگلیسی و فرانسه)
 ۱۵۰ تومان
- * خدا، ودلائل ایمان و اقرار - و علل کفر و انکار - (در حال انتشار است) - قطع رقعی
 ۱۶۰ صفحه - ۷۰۰ تومان
- * متونی از معارف اسلام - دو چهل حدیث: در امور خانوادگی - و در امور اجتماعی - چاپ شانزدهم
 ۱۰۰ صفحه - ۳۰۰ تومان

✽ راه تهذیب و کمال انسانی - تالیف خانم شکوه نوری - (فرزند آیت الله علامه نوری - بامقدمه و حواشی معظم له) - چاپ دوم ۳۰۰ صفحه - ۱۲۰۰ تومان

✽ تحقیق در لغات دخیله قرآن - ترجمه و تحقیق دکتر سعید نوری (فرزند آیت الله علامه نوری - بامقدمه و حواشی معظم له در حال انتشار است) این کتاب به نام

(The Foreign Vocabulary Of The Holy Quran)

اثر پروفیسور آر تور جفری است (استاد لغات والسنه سامی) - قطع وزیری

۶۵۰ صفحه - ۲۲۰۰ تومان

✽ فتوای تحریم دخانیات و مواد مخدر - مشتمل بر وسیع ترین تحقیقات علمی در آثار سوء و مضرات جسمی و روحی و اجتماعی آن دو، و دلائل فقهی و اسلامی تحریم ... قطع رفعی

۳۱۰ صفحه - ۱۷۰۰ تومان

✽ فلسفه انقلاب حسین (ع) - به دوزبان (عربی و فارسی) - چاپ دوم - (بااضافات در دست انتشار است) - قطع رفعی ۶۰۰ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

✽ ریشه های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از ۱۷ شهریور

در پانصد و هفتاد و شش صفحه به قطع وزیری در مرداد ماه ۱۳۸۱ به قیمت ۳۵۰۰ تومان به چاپ رسیده است.

✽ اصول فکری و فلسفی اسلام یا اسلام دین برتر

حدود ۴۲۰ صفحه - ۲۵۰۰ تومان

✽ تحقیقی در نامگذاری منطقه نور و بلده

حدود ۸۰ صفحه - ۵۰۰ تومان

✽ شرح زندگی علمی و خاطرات اجتماعی انقلابی آیت الله علامه نوری

(پیاده شده از نوارهای مصاحبه با آقایان اعزامی از مرکز اسناد انقلاب اسلامی) - (در حال انتشار است) - قطع وزیری

۶۰۰ صفحه - ۱۷۰۰ تومان

✽ هزار پاسخ - در جواب به انواع گوناگون سئوالات اسلامی و علمی و ادیان و غیره... (از هر مقوله) - (در حال انتشار است) ۸۰۰ صفحه - ۳۰۰۰ تومان

بزودی نام و مجلدات از تالیفات تفسیری و فقهی و فلسفی و اصولی و حدیثی و دیگر آثار جدید معظم له پس از انتشار معرفی خواهد شد.

**فهرست تالیفات و کتبی که از آیت الله العظمی علامه نوری
(به زبان عربی) در دست انتشار می باشد به ترتیب ذیل است:**

- * الفقه علی المذاهب الخمسة: (الجعفریة و الشافعیة و الحنفیة و المالکیة و الحنبلیة - اربع مجلدات)
- * المسائل المستحدثة (الفقهیة والدینية) - جلدین
- * التطبيق «بین الاحادیث من مصادر اهل السنة - والشیعة»
- (مشترکاتهما و مختصاتهما) - جلدین
- * التحقيق فی المناهج التفسیریة
- * القواعد الكلية المستخرجة من الكتاب و السنة (الفقهیة والاصولیة والاسلامیة والعقلیة)
- * تعليقات علی بعض الكتب الفقهیة والفلسفیة و غیرهما
- * الف سئوال و جواب (حول الموضوعات المختلفة - علی سیاق کتاب «هزار پاسخ بالفارسیة» للمؤلف نفسه)
- * تفسیر القرآن الکریم (باللغة العربیة - واللغات الارویة والاسویة و اللغات الاخری - مجلدات)
- * الاحادیث الموضوعة (فی المجاعیل الحدیثیة)
- * الاخلاق و التزکیة او الوصول الی الکرامة الانسانیة
- * الرسائل الموجزة فی مواضع مختلفة..... رسائل متعددة

دفتر انتشارات - حوزه علمی مدرسه الشهدا -

ژاله سابق - نرسیده به میدان شهدا

تلفن ۳۱۲۹۳۴۳ و تلفاکس ۳۱۲۹۸۹۴

محل نشریات:

الحوزة العلمیة الاسلامیة «مدرسة الشهداء»

مکتبة آية الله العلامة النوری

توجه:

چون بوسیله بعضی از مؤسسات از فروش این رساله بناست برخی «مراکز اسلامی سودمند» بوجود بیاید، بنابراین متمکنان و خیراندیشان هر منطقه در خریداری تعداد زیاد از این کتاب که برای هر فرد و خانواده نوریها (داشتن این کتاب یک ضرورت قطعی است) و در توزیع آن میان مردم نور و بلکه مازندران اهتمام ورزند - تا همه کس از آقایان نوریها از شناسنامه تاریخی و مذهبی خود آگاهی و در ایجاد «مرکز اسلامی سودمند» سهم باشند.

نقشه «نور» و ضرورت اصلاح آن



این نقشه با توضیحات و اسنادی که ارائه گردید باید تغییر نماید و نام «نور»، نام منطقه باشد و نام دیگری برای (سولده سابق) و شهرستان نور انتخاب گردد که این نامگذاری شهرستان نور مربوط به زمان طاغوت و ستمشاهی است و از نظر تحقیقات تاریخی و اسناد، بی اعتبار است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَبَعَيْنِ
هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأِنَّمَا أَشْهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ

بدو شای نامتناهی ذات بی‌متمای الهی را سزا است که تمامی سموات و ارضین و مابینهما و ما فوقهما و ما تحتها بهیشت و ابداع او از عدم به وجود آمده، و راه تسلیم و سجود برابر ذات سجود او پیش گرفته و بختی را مسجد ساخته ذرات کائنات را رکع و ساجد گردیدند، (وَلَسَّ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ). صلوات دانه و تحیات زاکیه بر اشرف ابناء آدم و رسول خاتم محمد مصطفی و آل او انه اشنا بغير غشم السلام باد، که (بوجود هم شست الارض و السماء).....

ابا بعد مجاهد با اموال از او امر نموده ربانیه در آیات قرآنی است چنانچه از اهل باقیات صاحبات بناء مسجد می باشد، که هم عبادت خالق است و هم تهیه مکان سجد و خلق است برای حق. و نیز وقف و اختصاص زینی برای قبولین و مؤمنین، خاصه آنکه در این اوان که قریه بلده مرکز کل لگا، نور گردیده، و مقابر محد و محل را وسعت نیست و خلق خدا در حجت، رجا، آنکه وقف این باغ باغ رضوان متقربا الی الله الرحمن موجب رضا و رضوان گردد، (والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر مردا). اکنون این احقر انام و اقل علماء اسلام پس از توقف چندین ساله در نجف اشرف بهجت تفتحه در دین لابل اذار القوم اجمعین طبقا للکتاب المبین، (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا) و عودت به موطن و صلوة ارحام و انجام زیارات و موصلات با مشاهیر مسجد کوچک و حاجت به قبرستان، (باغ رضوان) را که ملک طلق و هم خالص این داعی است، مجبور و مشهود محل می باشد. انستنی به بقعه مبارکه حضرت شیخ (قدس سره) و مسجد کوچک، و انستنی به پشت حیاط و باغچه مرحوم والد علامی حاج شیخ عبداللطیف النوری (طیب الله رسته).

و انستنی به باغ سادات محد و داست، این احقر انام حاج ملا نصیر نوری تقربا الی الله وقف نمودم، به شرحی که اکنون پس از دو سال که از وقفیت باغ مذکور می گذرد مسجد کوچک سابق و تغییر آن به مسجد جامع، و محدوده موقوفه مشخص گردیده است مسجد کوچک را جده اعلامی ما کننا مزار حضرت شیخ (عطر الله مرقده) بنا نموده بود که الحال سه دهنه دیگر بر آن (مسجد قدیمی) افزودم و ایوانی برای کل مسجد قرار دادم و بقیه زمین باغ را در خلف و امام این مسجد برای (قبرستان) وقف نمودم و حاشیه باغ به سمت مزار گاه را برای وضو خانه و غسالخانه مقرر داشتم و تولیت مسجد و قبرستان را مادام الحیات برای خود، و بعد الموت بگانه المومل من اسلافنا الی اخلافنا برای اصلاح و اعلم از نسل دگور این حقیر تولیت مقرر خواهد بود.

و از اوقاف مزار و مسجد و دیگر انفاقات به تعمیر و تحجیر مسجد و خدمات آن می پردازم و در حال قره العین حقیر شیخ اسمعیل نوری که به تحصیل تکمیل علوم اهل بیت علیهم السلام در جهد و اجتماع می باشد برای وظائف تولیت پس از حقیر تعیین می باشد، دو امر را نیز در این مقام باید مقوم و معلوم دارم، اولاً آنکه حسب قرائط شرعی با سادات مکرم تنگه پرداختن می حقیر از این بابت و تعمیر مخازن و مجاری آب تنگه که انجام دادم علاوه بر شبها و روزهای جمعه و ماه رمضان و ایام عزای محرم و صفر و غیره به هفته ای سه نوبت از صبح تا غروب و یا از ظهر تا آخر ثناء آب تنگه به مسجد و قبرستان و شیخ محله اختصاص دارد و بهی بر این امر صحه نهادند و ثانیاً نیز زرع از کل سطح خاک باغ موقوفه را اخلافم اگر حاجت داشتند می توانند استفاده نمایند که در موقع وقف نمودن این مقدار شش و منظور کردیم که اگر کل زمین باغ موقوفه از قبور پر گردد که آنگاه حتی بر برداشت خاک ندارد. اللهم اجعله ذخر المعادی و فوزا لاسلامی و اولادی و

اخذای لقد اعلیته لبانی و اقررت بهجانی، و اضیته بنانی، فله الحمد اولاً و آخراً. فی شهر ربیع الاول من سنه ۱۲۴۲ الهجریه النبویه القمریه. احقر انام و اقل علماء اسلام (حاج ملا نصیر نوری)

علت آنکه متن وقفنامه به فارسی نیز نوشته شده، این است که خواندن متن اصلی این سند برای برخی دشوار بوده است لذا به فارسی نیز نوشته شده است تا خواندن آن برای همگان آسان باشد.

